

---

## فرهنگ و سیاست در ایران آینده؛ روندها و نگرش‌ها

---

حسین سلیمی\*

### دیباچه

شاید در مطالعات اجتماعی امروزیین جداکردن حوزه‌های فرهنگ و سیاست بسیار دشوار باشد. در دنیای امروز فرهنگ و ارتباطات و سیاست و قدرت چنان در هم تنیده‌اند که گویا در مطالعه آنها ما با یک پدیده واحد مواجهیم که ابعاد مختلف آن را جستجو می‌کنیم. این امر به خصوص زمانی که چشم به آینده می‌دوزیم و تلاش می‌کنیم تا از روش‌های آینده‌پژوهی برای فهم وضعیت‌های آینده بهره‌گیریم، برجسته‌تر و جدی‌تر می‌شود. اما به هر حال برای تسهیل امر مطالعه ناگزیریم تا تفکیکی بین فرهنگ و سیاست قائل شویم و تأثیر و تأثر آنها را مورد توجه و مطالعه قرار دهیم تا

---

\* دکتر حسین سلیمی، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی است.  
(hoseinsalimi@yahoo.com)

پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۷

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال نهم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱۲۲-۷۵.

دریابیم روندهای آینده فرهنگ و سیاست در ایران به کدام سو خواهند رفت. در این تحقیق تلاش می‌کنیم تا با ترکیب دو روش آینده پژوهی یعنی مطالعه روندها و نیز دلفی به تخمین آنچه در آینده فرهنگ و سیاست ایران ظهور خواهد کرد پردازیم. پرسش اصلی ما در این مقاله این است که تحولات جاری و آینده در حوزه فرهنگ چه تأثیری بر مقوله سیاست به خصوص سیاست خارجی در ایران آینده خواهد گذارد؟ در آینده نیز یک دوره ۱۵ ساله مد نظر ما است که با سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران منطبق می‌باشد.

### معنای فرهنگ

یکی از مهم‌ترین تعاریف رسمی که از فرهنگ ارائه شده و می‌تواند مبنای کار این مقاله باشد تعریف ارائه شده در کنفرانس جهانی مکزیکوسیتی در سال ۱۹۸۴ است که در آن نمایندگان ۱۳۶ کشور جهان به نوعی اجماع در مورد مفهوم فرهنگ رسیدند، در مقدمه اعلامیه مکزیکوسیتی آمده است:

کنفرانس معتقد است که در وسیع‌ترین برداشت، می‌توان گفت که فرهنگ کلیتی است ترکیب‌یافته از خصوصیات متفاوت روحی، مادی، فکری و احساسی که شاخصه یک جامعه یا یک گروه است. فرهنگ نه فقط هنرها و ادبیات، بلکه شیوه‌های زیست، حقوق بنیادی انسان، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را دربرمی‌گیرد. این فرهنگ است که به انسان امکان تفکر و رویت درباره خود را می‌دهد. این فرهنگ است که ما را مشخصاً موجوداتی انسانی، عقلانی، برخوردار از موهبت قضاوت نقادانه و احساس تعهد اخلاقی می‌سازد (UNESCO, 1982: 41)

نکته قابل توجه این است که نمایندگان کشورها که مهم‌ترین بازیگران عرصه بین‌المللی هستند در این کنفرانس تلاش می‌کنند که به فهم مشترکی از فرهنگ و مقوله فرهنگ برسند اما این فهم مشترک، سبب از میان رفتن هویت‌های متفاوت آنها نشده است بلکه آنها به این نکته مشترک رسیده‌اند که فرهنگ، و نه ابزارهای قدرت سیاسی،

مهم‌ترین عنصر هویتی آنها در عرصه جهانی است. این عبارات که در دو قسمت متفاوت از اعلامیه مکزیکوسیتی آمده است، گویای این مفهوم است:

برخی از اهل نظر اصولاً هر گونه ظهور اجتماعی انسان را ظهوری فرهنگی می‌دانند که وقتی به عرصه روابط قدرت کشیده می‌شود، تبدیل به سیاست می‌گردد. اما در برابر این گونه نویسندگان، متفکران دیگری نیز هستند که فرهنگ را به تراز سیاست فرو نمی‌کاهند. ارنست کاسیرر از جمله آن گروه از صاحب‌نظرانی است که با تعریف متفاوتی که از انسان می‌کند راه را برای تعبیری متفاوت می‌گشایند. وی به جای آنکه انسان را حیوانی خردمند بنامد وی را حیوانی نمادین یا سمبولیک می‌خواند که در واقع با نمادسازی و نمادآفرینی خود در بعد جدید و متفاوتی از واقعیت زندگی می‌کند. منظومه‌های سمبولیک از نظر او بعد دیگری از واقعیت است که تنها در زندگی اجتماعی انسان وجود دارد. او پس از بیان مفصل این سخن تعریف متفاوت خود را از انسان ارائه می‌کند:

متفکران بزرگی که انسان را به مثابه یک حیوان خردمند تعریف کرده‌اند، از اصحاب تجربه نبوده‌اند، و هیچوقت قصد نداشته‌اند طبیعت انسانی را به روش تجربی تشریح و توضیح کنند. اینان بیشتر راغب بودند که یک نوع تکلیف اخلاقی خود را به درستی بیان کنند که استعمال لفظ عقل را به عنوان کلمه‌ای مناسب که بتواند کلیه صور حیات فرهنگی غنی و متنوع انسان را تفهیم کند، کاملاً درست نیست. صورت‌های حیات فرهنگی انسان، صورت‌های سمبولیک هستند و از این به بعد ما به جای اینکه انسان را حیوان خردمند بنامیم، به وی لقب حیوان سمبولیک می‌دهیم و به این طریق به اختلاف ویژه وی پی می‌بریم و راه جدید به معنی راه تمدن را که جلوی وی باز می‌شود، در می‌یابیم. (کاسیرر، ۱۳۶۰: ۴۰)

در این نوع نگرش عالم انسانی عالم متفاوتی است که نمی‌توان آن را با نوع نگرش‌های شیء‌انگاران‌ای که حوزه‌های سیاست و فرهنگ را به مثابه بسته‌بندی‌های مشخص حیات اجتماعی تفکیک می‌کنند یکسان دانست. برای امثال کاسیرر، نماد و

نمادسازی ماهیت زندگی و حیات انسانی را متفاوت می‌نماید:

بدون سمبول حیات انسان شبیه خواهد بود به تمثیل مشهوری که افلاطون از زندانیان غار نقل کرده است. حیات انسان محدود به احتیاجات زیستی عملی خواهد شد و هیچ مدخل و نفوذی به عالم اندیشه پیدا نخواهد کرد، مگر از راه‌های گوناگونی که دین، هنر، فلسفه و علم بر وی باز خواهد کرد. (کاسیرر، ۱۳۶۰: ۹۲)

بنابراین فرهنگ چیزی بیش از چند نهاد حکومتی یا گونه‌هایی خاص از فعالیت‌های اجتماعی است. ممکن است مهم‌ترین شکل ظهور آن در هنر و اندیشه باشد، اما اجزاء متنوع آن بر کل هویت انسانی و اجتماعی تأثیرگذار است و جلوه‌های این اجزاء در این هویت‌ها مشهود. همین نکته صاحب‌نظران حوزه سیاست را نیز به این واقعیت متفطن ساخته است که بدون درک ابعاد فرهنگی زندگی انسان فهم رفتار سیاسی و بین‌المللی او امکان‌پذیر نخواهد بود.

برای دانستن اینکه فرهنگ در معنای موسع خود چگونه بر حوزه سیاست مؤثر است از زاویه‌های گوناگونی می‌توان وارد بحث شد. برخی مانند کنت تامپسون و سوجتموکو<sup>۱</sup>، در ابتدا تأثیر فرهنگ بر سیاست و سیاست خارجی را به حد دیپلماسی فرهنگی فرومی‌کاهند و تنها به ذکر اهمیت فرهنگ به‌عنوان ابزاری مهم برای سیاست خارجی و دیپلماسی کلاسیک می‌پردازند. اما کسانی مانند علی مزروعی و هم‌فکرانش در دانشگاه میشیگان تأثیر فرهنگ را وسیع‌تر و عمده‌تر می‌بینند. به بیان آنان فرهنگ بر سازنده تصویر و هویتی است که نحوه حضور در عرصه‌های جهانی را متحقق می‌کند. به نوشته مزروعی کنیابی‌الاصلی:

رویارویی میان ما و دیگران ماندگارترین موضوع در نظم جهانی است. این دوگانگی می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد، خودی‌ها در مقابل خارجی‌ها، دوستان در مقابل دشمنان، شرق در مقابل غرب، شمال در برابر جنوب و کشورهای توسعه‌یافته در مقابل کشورهای در حال توسعه و مانند آن. این دوگانگی‌ها در چهره نظم جهانی

1. Kenneth Thompson & M. Sodjetmoko

یک قانون آهنین دوئیت است که مفهوم‌بندی شده‌ما و دیگران است. حال این سؤال مطرح است که تا چه حد این شیوه تفکر محصول فرهنگ است؟ آیا ما زندانی این دوئیت هستیم؟ (Mazrui, 1984: 24)

از نظر مزروعی فرهنگ هفت کارکرد اصلی دارد: نگرش به جهان را تعیین می‌کند، گرایش‌های مختلف رفتار را به وجود می‌آورد، معیارهای ارزیابی را معین می‌کند، پدیدآورنده بنیاد هویت ملت‌ها و گروه‌های مختلف است، یک گونه و یک مدل ارتباطی است، تقسیم‌بندی اجتماعی می‌کند و در نهایت نظام تولید و مصرف را تبیین می‌کند. با این نگاه فرهنگ در مهم‌ترین کارکردهای حوزه سیاست تعیین‌کننده است. به همین دلیل است که در برخی از نگرش‌ها و نظریه‌های نوین سیاست بین‌الملل فرهنگ در مرکز مطالعات سیاسی و جهانی قرار گرفته است. سازه‌انگاری<sup>۱</sup> در میان مکاتبی که فرهنگ و هویت را در کانون نظریه سیاسی و بین‌المللی قرار داده‌اند، بسیار مورد توجه قرار گرفته است و در محیط آکادمیک ایران نیز اقبال فراوانی برخوردار شده است. جان روگی در مقاله‌ای که برای نویسنده ارسال کرده‌اند، در معرفی رویکرد سازه‌انگاری می‌نویسد:

«سازه‌انگاری اجتماعی درباره آگاهی انسانی و نقش آن در زندگی بین‌المللی است. لذا سازه‌انگاری به گونه تقلیل‌ناپذیری بر بعد بین‌ذهنی کنش انسانی بنا شده است، شامل: ظرفیت و توانایی و اراده مردم به اتخاذ داوطلبانه نگرش‌هایی در برابر جهان و مبدل ساختن آن به امری مهم و حائز اهمیت. این ظرفیت و توانایی از واقعیت‌های اجتماعی برمی‌خیزد، یا واقعیت‌هایی که به توافقات انسانی وابسته است، واقعیت‌هایی که وجود دارند و نوعاً برخاسته از نهادهای انسانی هستند که برای وجود و حیات آنها

۱. در متون فلسفی و نیز برخی از ترجمه‌های متخصصان جامعه‌شناسی، *consructivism* به برساخت‌گرایی ترجمه شده است اما در میان متخصصان سیاست و روابط بین‌الملل ترجمه سازه‌انگاری جا افتاده است. دلیل آن اهمیت و محوریت انگاره‌ها در شناخت واقعیت در این دیدگاه است و اینکه این دسته از اهل اندیشه ماهیت واقعیات را نه امور مادی بلکه از جنس ایده و انگاره، و البته به عنوان یک سازه اجتماعی می‌دانند. این امر سبب شده است که در اکثر متون ترجمه شده در روابط بین‌الملل، این کلمه به سازه‌انگاری ترجمه شده است و بیشتر دانشجویان و استادان از آن استفاده می‌کنند.

لازم است (مثل پول، حقوق مالکیت، حاکمیت، روز ولنتاین). سازه‌انگاری معتقد است که نه تنها هویت‌ها و منافع بازیگران عرصه جهانی به صورت اجتماعی برساخته‌اند، بلکه آنها باید در مرحله‌ای که کلیتی از دیگر عوامل معنایی و درونی شده هستی فرهنگی یک مردم شکل می‌گیرند، مشارکت کنند. هیچ نظریه عمومی از ساخت اجتماعی در دست نیست که از دیگر رشته‌ها اقتباس شده باشد و سازه‌انگاران روابط بین‌الملل هنوز یک نظریه کامل را برای خود فرموله نکرده‌اند. در نتیجه سازه‌انگاری چیزی بیش از یک منظر فلسفی و نظری است که رویکردی فراتر نسبت به مطالعه تجربی روابط بین‌الملل دارد.» (Ruggie, 1998: 52)

بررسی‌های نظری انجام شده نشان داد که برای مطالعه بهتر در مورد آینده فرهنگ و سیاست باید به این پدیده‌ها به‌عنوان سازه‌هایی اجتماعی و یا به عبارت دیگر پدیده‌هایی که به صورت اجتماعی برساخته شده و به گونه تنگاتنگ با یکدیگر پیوند خورده‌اند بنگریم. اما برای مطالعه آنها لازم است تا به بررسی آنچه در ذهنیت‌های اجتماعی و انسان‌های سازنده آینده جاری است پردازیم. در نتیجه، ابتدا باید شاخص‌هایی را برای مطالعه فرهنگ دریابیم که موجب اثرگذاری آن در حوزه سیاست خواهد بود. این شاخص‌ها باید در عرصه داخلی و بین‌المللی نماد و نشانه‌ای برای فرهنگ و تأثیر آن بر سیاست باشند. در عرصه داخلی معمولاً تجلی فرهنگ را در هنر، ادبیات، مطبوعات و اندیشه‌های مکتوب مندرج در کتاب‌های منتشره می‌دانند. البته نگرش‌ها و اعتقادات مذهبی نیز از جمله شاخص‌های مهمی است که مخصوصاً در جامعه ایران می‌تواند در شناخت جریان‌های فرهنگی ما را یاری رساند. در عرصه جهانی نیز نحوه اتصال به شبکه‌های جهانی اطلاعات و ارتباطات از اهمیت فراوانی برخوردار است که به نوعی شاخص پیوند فرهنگ‌های جاری در جامعه ایران با جامعه جهانی است. این‌ها شاخص‌هایی هستند که می‌توانیم با کمک آنها وضعیت و سیر تحول جامعه ایران در عرصه فرهنگی را بسنجیم. هر چند که در این مجال کوتاه شاید نتوانیم آن گونه که مقتضی است از تراز پدیدارها گذر کنیم و به جستجوی شبکه‌های

معنایی نهفته در بطن جامعه که یافتن آنها مطالعات عمیق و پردامنه کیفی می‌طلبد، اهتمام ورزیم.

این نگرش در عرصه روابط بین‌الملل، با نوعی تلقی فرهنگ‌گرای نظریه‌پردازانی مانند مانوئل کاستلز درباره جهانی شدن هم‌ساز است. زیرا کاستلز با بررسی چگونگی شکل‌گیری شبکه جهانی اطلاعات و ارتباطات نشان می‌دهد که چگونه فرایندهای سیاسی و اقتصادی کشورها و نحوه تعاملات بین‌المللی آنها متأثر از وضعیت نوین جهانی خواهد بود. کاستلز می‌نویسد:

«ظرفیت‌ها و توانایی‌های ابزاری دولت - ملت‌ها به طور قطعی سست شده است؛ توسط جهانی شدن اقتصاد، توسط جهانی شدن رسانه‌ها و ارتباطات الکترونیکی، توسط جهانی شدن جرایم، جهانی شدن اعتراضات اجتماعی و جهانی شدن شورش‌ها در شکل تروریسم فرامرزی». (Castells, 2009: 304)

کاستلز معتقد است که توفان‌های فکری و فرهنگی ناشی از جامعه جهانی و نیز رشد فرهنگ و عناصر هویت‌ساز فرهنگی در داخل جوامع، چالش‌های فزاینده‌ای را برای دولت - ملت‌ها پدید آورده است. لذا به بیان کاستلز: «آنچه ما در نخستین سال‌های قرن بیست و یکم شاهد هستیم دو فرایند هم‌زمان است؛ بحران در دولت‌های مدرن و در عین حال بازگشت آنها با سازمان‌های جدید، نهادهای جدید، ساز و کارهای و شیوه‌های جدید قدرت آفرینی و اصولی جدید مشروعیت‌یابی». (Castells, 2009: 304)

این روندی است که به نظر می‌رسد در هماهنگی با فرایندهای جهانی برای جوامع در حال گذار ایجاد خواهد شد و تحول در حوزه فرهنگ و به خصوص تحول در زیرساخت‌های تولید فرهنگی و نیز اتصال به شبکه‌های جهانی اطلاعات و ارتباطات در کشورهای مختلف تحولات گسترده‌ای ایجاد خواهد کرد و نقش و جایگاه دولت‌ها را نیز به‌عنوان مهم‌ترین شاخص و عامل سیاست تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. این همان فرضی است که به‌گونه‌ای تلاش خواهیم کرد در مورد آینده جامعه ایران نیز به کار بندیم.

بر این اساس حوزه‌های رسمی سیاست و فرهنگ را به لحاظ کارکردی از هم جدا می‌کنیم تا بتوانیم با کمک اطلاعات تجربی آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. مثلاً حوزه فرهنگ با شاخص‌هایی نظیر هنر، کتاب، مطبوعات و نیز نگرش‌های موجود در حوزه دین و ارزش‌های رایج در زندگی روزمره تعریف می‌شوند و نحوه گسترش شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی نیز به‌عنوان بستر و عامل تعیین‌کننده تمامی این حوزه‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در واقع تمامی این شاخص‌ها بر عرصه سیاست تأثیرگذار خواهند بود زیرا همگی به نوعی با حاکمیت دولت، کنترل دولت بر جامعه، نحوه حضور در نظام بین‌الملل و جایگاه آن در نظام بین‌الملل و امنیت ملی معین ارتباط دارند. لذا اگر در این تحقیق به دنبال بررسی تأثیر فرهنگ بر سیاست باشیم در واقع می‌خواهیم نوع کنش و واکنش این دو حوزه را با مجموعه‌ای از شاخص‌های بیان شده را بررسی نماییم. اما مهم‌ترین عنصر مطرح در این زمینه عنصر حاکمیت است. پرسش محوری در این زمینه آن است که فرهنگ تا چه حد بر حاکمیت در جامعه تأثیر می‌گذارد و کنش و واکنش فرهنگ با حاکمیت چه صوری به خود می‌گیرد. اینها پارامترهای شکل دهنده به سناریوهایی خواهند بود که آینده تأثیرگذاری فرهنگ بر حوزه سیاست را مورد توجه قرار می‌دهند.

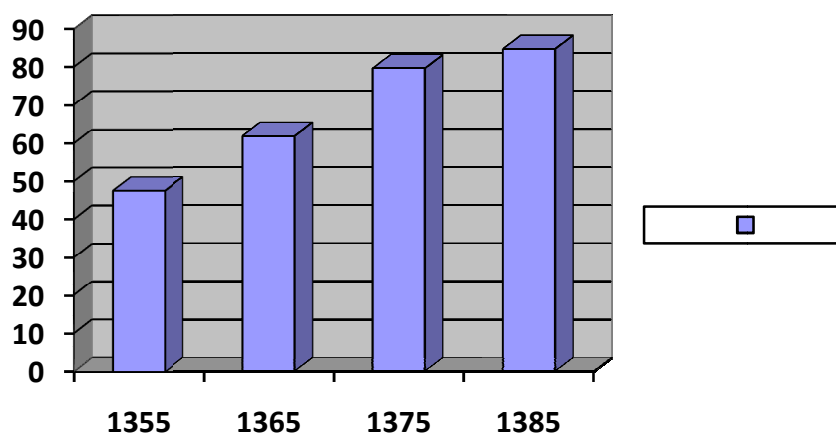
برای بررسی این وضعیت‌ها در این گونه از آینده‌پژوهی که انجام خواهیم داد در عمل از ترکیب و تلفیق سه روش آینده‌پژوهانه بهره خواهیم گرفت: مطالعه روندها، دلفی و سناریونویسی

## ۱. مطالعه روندها

### ۱-۱. تحصیلات، امکانات فرهنگی و جایگاه اهل فرهنگ و هنر در جامعه ایران

بی‌گمان تغییر در میزان تحصیلات در جامعه نه تنها گرایش‌های عمومی و مطالبات آنها را دگرگون خواهد کرد و میزان استفاده مردم از محصولات فرهنگی تحت تأثیر خود قرار می‌دهد بلکه می‌تواند در تأثیرگذاری و عملکرد فرهنگ و جامعه فرهنگی هنری در

فضای عمومی اجتماعی ایران مؤثر باشد. مطالعات عمومی در عرصه جهانی نشان می‌دهد که طبقه متوسط تحصیل کرده که تحصیل‌کردگی مهم‌ترین شاخص آن است نوع نگاه متفاوتی به زندگی اجتماعی و سیاسی دارد و بسیاری از مطالبات و مطلوبیت‌های آن در حوزه مسائل فرهنگی ظهور و بروز می‌یابد. آمار رسمی نشان می‌دهد که میزان تحصیل‌کردگان در جامعه ایران به سرعت رو به افزایش و بی‌سوادی در حال ریشه‌کن شدن است. جدول ذیل نرخ رشد سوادآموزی در کشور را نشان می‌دهد: (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹: جدول ۱۵-۲)



براساس این آمار، تا سال ۱۳۸۹ میزان باسوادی به نزدیک ۹۰٪ رسیده است و ۱۰٪ بی‌سواد نیز اکثراً در میان افراد غیرفعال جامعه هستند یعنی بیش از ۶۰٪ آنها در سن بالای ۶۰ سال قرار دارند. این نشان می‌دهد که بی‌سوادی مطلق به تدریج از جامعه ایران رخت بر بسته است. روند فعلی نشان می‌دهد که بیش از ۱۳.۰۰۰.۰۰۰ میلیون نفر از جمعیت ایران در سال ۱۳۸۹ دانش‌آموز بوده و بیش از ۳.۰۰۰.۰۰۰ نیز دانشجو هستند، در نتیجه در آینده مسئله اصلی جامعه ایران بی‌سوادی نخواهد بود بلکه ما با روند افزایش تحصیل‌کردگان مواجه هستیم که در درجه اول اشتغال و سپس میزان نیاز و گرایش آنها به فرهنگ و هنر و سیاست و تأثیر و تأثر آنها با نظام سیاسی متفاوت خواهد بود. در صورت تداوم این روند برای ۱۵ سال آینده تقریباً بی‌سوادی ریشه‌کن

خواهد شد و تعداد افراد دیپلمه به بالا بیش از ۷۰٪ جامعه را دربرخواهد گرفت و در این بین نقش زنان نیز در حال افزایش است زیرا بیش از ۶۰٪ از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها زنان خواهند بود.

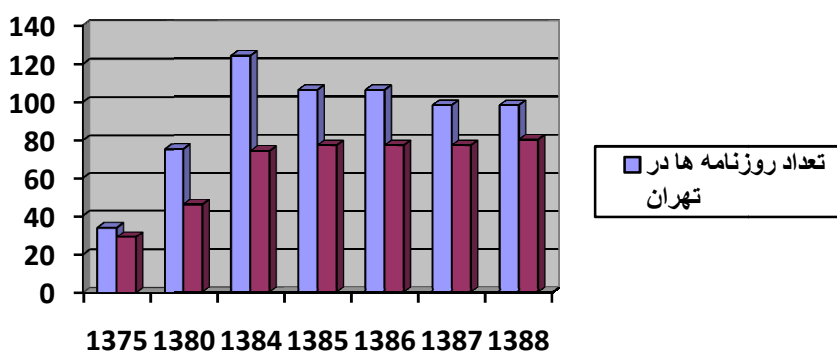
میزان تحصیلات عالی نیز به صورت شتابان در حال افزایش است و این ترکیب جمعیتی مورد خطاب محصولات فرهنگی را تغییر می‌دهد و مطالبات و نیازهای بیشتری در این زمینه پدید خواهد آورد. گرچه کیفیت تحصیل و محتوای به‌دست آمده در دانشگاه‌ها بر گرایش‌های آینده فارغ‌التحصیلان تأثیر جدی دارد اما بدیهی است که نفس تحصیل‌کردگی بر نوع نگاه و نیازهای اجتماعی و سیاسی انسان‌ها مؤثر است و میزان گرایش و نوع گرایش افراد باسواد و تحصیل کرده به محصولات فرهنگی و نیز تأثیرپذیری آنها از این محصولات متفاوت خواهد بود.

در جامعه ایران، تحصیلات دانشگاهی هر ساله جمعیت بیشتری را تحت پوشش می‌گیرد. آخرین آمار رسمی منتشر شده در مورد میزان فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها مؤسسات آموزش عالی مربوط به سال ۱۳۸۵ می‌شود که براساس آن ۴۳۳۰۸۵۰ نفر در آموزش عالی رسمی فارغ‌التحصیل شده‌اند که سه میلیون نفر آن لیسانس به بالا می‌باشند. در میان این افراد بیش از ۲.۵۰۰.۰۰۰ نفر مرد و ۱.۸۰۰.۰۰۰ زن وجود دارند و حدود ۵۵٪ از این عده در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی تحصیل کرده‌اند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹: جدول ۱۵-۴۱)

## ۲-۱ بررسی روند رشد مطبوعات در ایران

از جمله شاخص‌های تأثیر و تأثر فرهنگ و سیاست در تعداد مطبوعات و به خصوص روزنامه است که محل مراجعه قشرهای باسواد جامعه به خصوص تحصیل‌کردگان و یکی از منابع اصلی اطلاعات آنان است. در بررسی و تحلیل آمارهای رسمی ارائه شده باید به چند نکته اصلی توجه کرد. نخست آنکه در این شاخص‌ها شاخص روزنامه به خصوص روزنامه‌های منتشر شده در تهران که بیشترین تعداد روزنامه‌های سراسری را

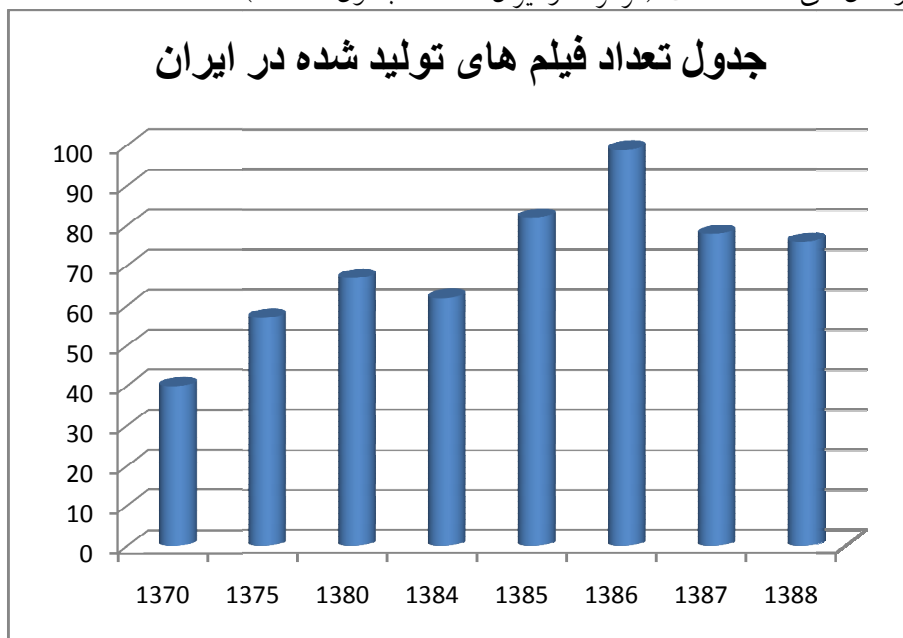
تشکیل می‌دهند از اهمیت بالا برخوردار است. آمار رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به نقل از مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که تعداد کل نشریات در کشور از ۶۲۲ نشریه در سال ۱۳۷۵ به ۳۲۶۱ نشریه در سال ۱۳۸۴ رسیده یعنی در فاصله ۸ سال بیش از ۵ برابر شده است. تا سال ۱۳۸۸ این تعداد به ۳۸۰۹ نشریه و رسیده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹: جدول ۱۴-۱۷) این نشان می‌دهد که به‌رغم کند شدن نرخ رشد نشریات، در مجموع این روند رو به رشد بوده است. نمودار ذیل محصول تمرکز بر وضعیت روزنامه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین شاخص مطبوعات در کشور است به خصوص تعداد روزنامه‌ها در تهران که بیشترین روزنامه‌های سراسری را تشکیل می‌دهند:



این روند گویای آن است که به‌رغم تقاضای بیشتری که در طبقه متوسط تحصیل کرده ایجاد می‌شود، روزنامه‌هایی که بتوانند این تقاضا را پاسخ گویند، رشد نکرده‌اند و از تعداد آنها کاسته شده است. یکی از تبعات این امر آن است که ممکن است سبب گردد طبقه رو به تزاید تحصیل کرده از منابع دیگری برای تأمین نیازهای اطلاعاتی و تحلیلی خود بهره‌برد. آمار نشان می‌دهد که همین وضعیت در مورد هفته‌نامه‌ها نیز دیده می‌شود و تنها در فصلنامه‌ها رشد به چشم می‌خورد که با توجه به تیراژ و مخاطب اندک و پشتیبانی دولتی اکثر فصلنامه‌ها نمی‌توان آنها را شاخص تأمین نیازهای طبقه متوسط دانست.

### ۳-۱ بررسی روند محصولات هنری با تأکید بر نمونه سینما

در عرصه هنر آمار گویای وجود روندی پیچیده در امکانات و حجم تولیدات اند: تولیدات از یک نظر رشد و از بعدی دیگر رکود داشته است. شاید آمار تعداد صندلی‌های سینما، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین هنرهای مورد توجه مردم، و نیز میزان فیلم‌های تولید شده بتواند یک نمای عمومی از تولید و امکانات هنری در جامعه به‌دست دهد. که براساس آمار رسمی گنجایش صندلی‌های سینما در ایران حتی نسبت به سال ۱۳۷۱ اندکی کاهش یافته است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹: جدول ۱۲-۱۷) گنجایش سینماها و در عین حال مخاطبان سینمای ایران در مقایسه با سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۰ در مجموع کاهش داشته است و به‌رغم تلاش‌های انجام شده برای افزایش ظرفیت سینماها و نیز بالا بردن میزان تولید فیلم، در مجموع سینما از نظر گنجایش و نیز مخاطب افت چشمگیری داشته است. این در حالی است که از نظر کمی تعداد فیلم‌های تولید شده در سال‌های گذشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸: جدول ۱۳-۱۷):



بنابراین به‌رغم افزایش نسبی تعداد تولید فیلم سینمایی در کشور در سال‌های گذشته، میزان مخاطبان آن کاهش یافته‌اند و این نشان می‌دهد که در مجموع فیلم‌های تولید شده کمتر توانسته‌اند که نیاز مخاطب خود را تأمین کنند. این روند نیز ممکن است که مخاطبان سینما که بیشتر طبقه متوسط هستند را به سوی دیگر محصولات مشابه فرهنگی سوق دهد. افزایش کمی تولید در سینما به معنای موفقیت مسئولان دولتی در جذب مخاطب به سوی معانی و هنجارهای از پیش تعیین شده نیست و حتی می‌تواند گونه‌ای ناکامی تلقی شود زیرا در عین رشد تعداد فیلم‌های تولید شده، میزان استقبال از آنها کاهش یافته است. به طور مثال در سال ۱۳۸۶ که با یک جهش در تولید فیلم مواجهیم و رکورد بی‌سابقه ۹۹ فیلم تولید شده است که به نسبت دو سال قبل بیش از ۳۰٪ و نسبت به سال قبل از آن حدود ۲۰٪ افزایش تولید داشته است اما در مجموع مخاطبان سینما در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۸۵ از ۱۵۷۰،۰۰۰ نفر به ۱۴۳۰،۰۰۰ نفر کاهش یافته است. این نشانگر آن است که بخشی از سینمای ایران که در این سال‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته و امکان فیلم‌سازی یافته‌است کمتر مورد اقبال مخاطبان سینما قرار دارد. البته این امر به معنای کاهش نفوذ اجتماعی سینماگران و هنرمندان در جامعه ایران نیست، بلکه نشان‌دهنده عدم توفیق آن دسته از سینماگران است که در این سال‌ها به تولید و ارائه آثار خود، در چهارچوب ژانرهای خاص، پرداخته‌اند.

#### ۴-۱ بررسی روند تولید و نشر کتاب در ایران

در حوزه کتاب آمار نشان می‌دهد که به‌رغم محدودیت‌های ایجاد شده در برخی از عناوین و اعمال نظارت بیشتر دولتی بر چاپ و نشر کتاب، در مجموع تعداد عناوین کتاب‌های چاپ شده در حال افزایش بوده گرچه شمارگان کتاب‌ها به این اندازه افزایش نیافته است و حتی در سه سال پایانی این بررسی، با نزول و کاهش شمارگان کتاب‌های منتشره نیز مواجه بوده‌ایم. با توجه به اینکه بخشی از کتب منتشر شده در زمینه‌های علوم طبیعی و ریاضی و علوم کاربردی به کتب کمک درسی اختصاص داشته‌اند که در این

تحلیل مورد توجه نیستند می‌توان گفت که بیشتر کتب تولید شده به ترتیب اولویت به حوزه‌های کودک و نوجوان، دین، ادبیات و علوم اجتماعی تعلق داشته است. البته باید توجه داشت که بخش مهمی از شمارگان کتب تولیدی در حوزه‌های دین و ادبیات را کتب کلاسیک مانند قرآن کریم، مفاتیح الجنان و نیز حافظ و مولوی تشکیل می‌دهند. بر این اساس هنوز ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی مهم‌ترین حوزه‌های تولید و نشر کتاب در ایران را تشکیل می‌دهد و به‌رغم کاهش شمارگان این کتاب‌ها به نظر می‌رسد که هنوز مهم‌ترین نیاز موجود جامعه کتاب‌خوان در این عرصه‌ها است. روند رشد عناوین کتب چاپ شده نشان می‌دهد که نیاز به کتب علوم انسانی و اجتماعی و ادبیات در حال افزایش است و این نیاز حتی در زمان اعمال محدودیت‌های شدید و بحران‌های اجتماعی و سیاسی هم‌چنان پا بر جا است. جدول ذیل که به نقل از معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است میزان تولید و نشر کتاب را در سال‌های اخیر در ایران نشان می‌دهد. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹: جدول ۲۰-۱۷)

شمار (هزار)	عنوان			سال و موضوع
	چاپ مجدد	چاپ اول	جمع	
۸۰۵۰۱	۷۳۹۶	۷۰۶۳	۱۴۴۵۹	۱۳۷۵
۱۶۵۷۳۱	۱۳۹۴۷	۱۸۲۶۹	۳۲۲۱۶	۱۳۸۰
۲۲۳۳۶۸	۲۵۸۶۵	۲۶۷۶۲	۵۲۶۲۷	۱۳۸۴
۲۲۳۷۸۶	۲۸۱۳۲	۲۴۲۵۳	۵۲۳۸۵	۱۳۸۵
۲۱۲۹۸۰	۳۱۲۳۰	۲۳۸۹۸	۵۵۱۲۸	۱۳۸۶
۲۱۹۷۰۹	۳۱۴۹۲	۲۴۵۰۷	۵۵۹۹۹	۱۳۸۷
۲۰۶۱۶۱	۳۱۹۷۶	۲۸۸۲۵	۶۰۸۰۱	۱۳۸۸
۳۷۸۶	۸۵۵	۸۷۴	۱۷۲۹	کلیات
۶۶۶۳	۱۴۸۴	۱۱۸۹	۲۶۷۳	فلسفه
۴۸۸۲۴	۴۸۳۵	۴۵۴۳	۹۳۷۸	دین
۲۲۲۹۱	۴۶۴۰	۳۲۳۱	۷۸۷۱	علوم اجتماعی
۱۱۴۸۷	۱۹۲۶	۱۳۸۸	۳۳۱۴	زبان

۱۵۳۷۲	۳۳۴۵	۱۸۱۴	۵۱۵۹	علوم طبیعی و ریاضیات
۱۸۴۱۶	۳۶۷۲	۵۱۰۰	۸۷۷۲	علوم عملی
۴۲۷۸	۸۹۴	۱۰۷۴	۱۹۶۸	هنر
۱۹۹۴۰	۳۳۲۳	۴۶۶۹	۷۹۹۲	ادبیات
۱۰۳۳۶	۱۳۲۳	۱۶۱۶	۲۹۳۹	تاریخ و جغرافیا
۴۴۷۶۸	۵۶۷۹	۳۳۲۷	۹۰۰۶	کودک و نوجوان

این مرور اجمالی بر آمار رسمی برخی از امکانات و تولیدات فرهنگی کشور نشان می‌دهد که در مجموع امکانات فرهنگی در حال افزایش است و نیازهای فرهنگی عمومی که در اثر رشد جمعیت تحصیل‌کرده جوان به وجود آمده است نیز، چاره‌ای جز گسترش امکانات و تولیدات فرهنگی باقی نگذاشته است. اما در حوزه روزنامه‌ها، مخاطبان سینما و نیز شمارگان کتاب، شاهد آن هستیم که به‌رغم افزایش تولید، اقبال مخاطبان به آنها کاسته شده است و بسیاری از تولیدات نتوانسته‌اند مخاطب را به خود جلب کنند. این امر حکایت از آن دارد که علیرغم افزایش نیازها و امکانات، محتوای تولیدات آن چنان که باید نتوانسته است با جامعه ارتباط برقرار کند. این نتیجه ممکن است محصول شرایط خاص اجتماعی سال‌های گذشته و یا نوع انتخاب‌ها و گزینش‌های دستگاه‌های حکومتی باشد، اما به هر حال گویای شکافی است که در این سال‌ها ایجاد شده است. از یک سو امکانات تحت کنترل دولت و حتی تولیدات از نظر کمی در حال افزایش است اما از سوی دیگر رویکرد و اقبال جامعه در حال کاهش. این شکاف می‌تواند در آینده فرهنگی و سیاسی کشور و نحوه تعامل سیاست و فرهنگ در آینده تأثیرگذار باشد. یکی از راه‌های مقابله با ازدیاد این شکاف آن است که نقش و تأثیر اهل فرهنگ و هنر به تدریج در جامعه ایران افزایش یابد.

## ۵-۱ بررسی وضعیت گرایش به مذهب

باید دید که نگرش مردم نسبت به آینده دین (مذهب) در جامعه ایرانی چیست؟ داده‌های بخشی از پژوهش دفتر طرح‌های ملی به همین امر اختصاص دارد. قسمتی از

این تحقیق به بررسی آینده نگرش‌ها و رفتارهای مذهبی از دید افراد امروزی اختصاص دارد. در این زمینه سه سؤال اصلی مطرح شده است که پاسخ‌های آنها به شرح ذیل ارائه می‌شوند. نخستین معیاری که برای مقایسه میزان گرایش به مذهب در گذشته و حال در این تحقیق آمده است، میزان نماز خواندن است که از بیش از ۴۰۰۰ نفر در استان‌ها مختلف کشور سؤال شده است. براساس نتیجه این نظرسنجی حدود ۶۹٪ از افراد معتقدند که مردم قبلاً بیشتر مقید به نماز خواندن بوده‌اند. (دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۲: ۱۳۱). تقریباً همین تعداد نیز به طور کلی معتقدند که مردم نسبت به گذشته غیرمذهبی‌تر شده‌اند. این یافته‌ها در جدول ذیل منعکس است (دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۲: ۱۳۱):

نظر شما مردم الآن نسبت به ۵ سال قبل مذهبی‌تر شده‌اند یا غیرمذهبی‌تر؟		
نگرش	تعداد	درصد
مذهبی‌تر شده‌اند	۷۱۱	۱۶/۵٪
غیرمذهبی‌تر شده‌اند	۳۰۰۷	۶۹/۹٪
فرقی نکرده‌اند	۵۸۴	۱۳/۶٪
تعداد پاسخ‌های معتبر	۴۳۰۲	۱۰۰

بر این اساس اکثریت جدی جامعه یعنی حدود ۷۰٪ در سال ۱۳۸۱ معتقدند که مردم نسبت به ۵ سال پیش غیرمذهبی‌تر شده‌اند. حتی بیش از این میزان معتقدند که مردم در آینده غیرمذهبی‌تر از امروز نیز خواهند شد. به عبارت دیگر ادراک مردم از آینده جامعه خود به گونه‌ای است که روند آن را به سوی غیرمذهبی شدن می‌بینند. البته در ارائه تفسیر دقیق از نتایج حاصله توجه به این نکته مهم است که تعریف و تعبیر افراد از مذهب چیست و با چه شاخص‌هایی وضعیت مذهب در جامعه خود را رصد می‌کنند. اما در بررسی دفتر طرح‌های ملی آنچه مورد نظر بوده این نکته است که پاسخ‌گویان با هر تعبیری که از مذهب دارند وضعیت آن را در جامعه خود چگونه می‌یابند؟ این ارزیابی در جدول ذیل نمایش داده شده است (دفتر طرح‌های ملی: ۱۳۸۲: ۱۳۱-۱۳۲):

به نظر شما مردم در ۵ سال آینده مذهبی تر می شوند یا غیرمذهبی تر؟		
نگرش	تعداد	درصد
مذهبی تر می شوند	۴۷۲	۱۲/۸٪
غیرمذهبی تر می شوند	۲۷۲۷	۷۳/۷٪
فرقی نخواهند کرد	۴۹۹	۱۳/۵٪
تعداد پاسخ‌ها معتبر	۳۶۹۸	۱۰۰

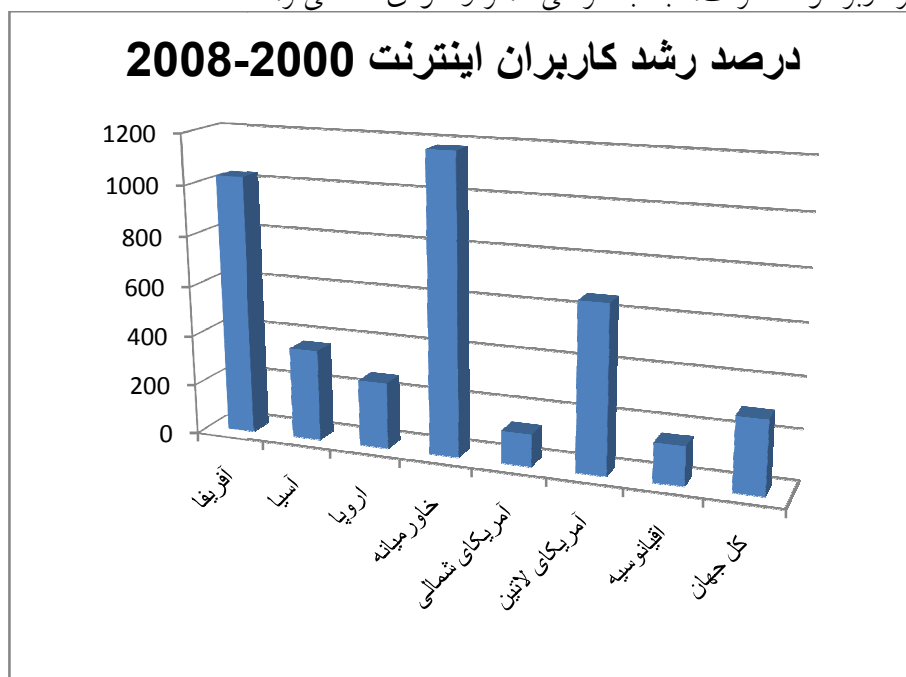
بنابر نتایج ارائه شده در جدول، بیشتر جامعه مورد بررسی معتقدند که از میزان گرایش جامعه به مذهب کاسته خواهد شد. هر چند که نتیجه نظرسنجی‌های بیان‌گر بنیادهای محکم مذهبی در درون جامعه است اما به نظر می‌رسد بخش مهمی از جامعه چنین تلقی می‌کنند که روند جامعه به سوی غیرمذهبی‌تر شدن است. فارغ از اینکه این تلقی درست است و تحقق یافته است یا نه به نظر می‌رسد که اینکه درصد بالایی از مردم جامعه چنین فکر می‌کنند خود می‌تواند در شکل دادن به جریان‌های آینده مهم و اساسی باشد.

## ۶-۱ بررسی روند استفاده از اینترنت

جهانی شدن را نمی‌توان به یک بعد خاص مثلاً سیاست یا اقتصاد فروکاست زیرا یکی از خصوصیات عصر جهانی در هم‌تنیدگی جوامع از یک سو و انفکاک‌ناپذیری حوزه‌های زندگی اجتماعی از سوی دیگر است. به هم‌پیوستگی مهم‌ترین ویژگی زندگی در عصر جهانی است. یکی از عمده‌ترین شاخص‌های این به هم‌پیوستگی رشد استفاده از اینترنت در جوامع مختلف است که گویای به هم‌پیوستگی افکار و مبادله بدون حد و مرز اطلاعات در جهان امروز است.

آمار نشان می‌دهد که خاورمیانه و آفریقا بیشترین رشد را در این زمینه دارند. هر چند این رشد بیش از ۱۰ برابری به دلیل عقب‌ماندگی این مناطق در سال‌های گذشته و آغاز دیر هنگام بهره‌گیری از اینترنت در این سرزمین‌ها است اما به هر حال معلوم است که رشد سریع و غیرقابل انکار که می‌تواند بنیاد زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار

دهد در حال وقوع است. البته باید توجه داشت که سطح پایین تکنولوژی ارائه شده اینترنتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای خاورمیانه، و نیز اعمال کنترل‌ها و محدودیت‌های دولتی به اندازه‌ای بوده است که مانع رشد سریع و پیوستن این کشورها به زمره کشورهای بهره‌بردار از تکنولوژی پیشرفته اطلاعات و ارتباطات شود. با وجود این همین رشد نیز گویای آن است که به هر حال نمی‌توان جلو این رشد را گرفت و به هر حال موج جهانی ایجاد شده کمابیش این کشورها را نیز دربرخواهد گرفت. البته با سرعتی کمتر و نفوذی سطحی‌تر.



این داده‌ها نشان می‌دهد که کاربران اینترنت در کل جهان نزدیک ۳۰۰٪ رشد داشته و در مناطقی مانند خاورمیانه نرخ رشد شگفت‌انگیز حدود ۱۱۰۰٪ داشته است و این رشد با سرعتی فراوان ادامه دارد. بنابراین می‌توان گفت که به هم پیوستگی جهان از این نظر در عالم واقع نیز جدا از مجادلات نظری وجود داشته و انکارناپذیر است. جداول ذیل میزان رشد کاربران اینترنت در داخل کشور را از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ نشان

می دهد. (امن آبادی، ۱۳۸۵)

نتایج طرح آمارگیری از کاربران اینترنت ۱۳۸۷ که مربوط به دوره زمانی یک ساله از دوازده ماه قبل از زمان آمارگیری تا زمان آمارگیری (دی ماه ۱۳۸۷) است، نشان می دهد که از مجموع ۱۸.۷۸ میلیون خانوار کشور در آن زمان، در حدود ۴.۹۸ میلیون خانواده یعنی ۲۶.۵٪ در محل سکونت یا در محل های دیگر از اینترنت استفاده کرده اند یعنی حداقل یک عضو این خانوارها، کاربر اینترنت بوده است. این سهم برای خانوارهای شهری کشور بالغ بر ۳۴.۱٪ و برای خانوارهای روستایی کشور در حدود ۸.۸٪ بوده است. از کل خانوارهای کاربر اینترنت ۳.۴۱ میلیون خانوار یعنی ۱۸.۲٪ در محل سکونت خود و ۱.۵۶ میلیون خانوار یعنی ۸.۳٪ در سایر مکان ها به جز محل سکونت از اینترنت استفاده کرده اند. همچنین از ۷۱.۸۴ میلیون نفر جمعیت کشور ۷.۹۶ میلیون نفر کابر اینترنت بوده و ضریب نفوذ آن ۱۱.۱٪ است. از این تعداد ۲.۲۹ میلیون نفر در تهران ساکن بوده اند یعنی ۲۸.۸٪. استان های اصفهان و فارس به ترتیب با داشتن ۸.۹٪ و ۶.۶٪ رده های بعدی را داشته اند. بیشترین ضریب نفوذ اینترنت در کشور به ترتیب مربوط به استان تهران با ۱۶.۴٪ استان اصفهان ۱۵.۳٪ و استان یزد با ۱۴.۵٪ است. در صورتی که استان های سیستان و بلوچستان با ۳.۳٪ خراسان شمالی با ۵.۱٪ و آذربایجان غربی با ۶.۴٪ کمترین ضریب نفوذ اینترنت در کشور را داشتند. از مجموع کاربران اینترنت کشور تعداد ۷.۲۵ میلیون نفر یعنی ۹۱.۱٪ در نقاط شهری و ۰.۷۱ میلیون نفر یعنی ۸.۹٪ در نقاط روستایی زندگی می کنند. از مجموع کاربران اینترنت ۱۰ سال به بالا در کشور حدود ۵۰.۴٪ محصل، ۳۲٪ شاغل، ۶.۱٪ خانه دار و ۷.۹٪ بیکار بوده اند. در میان کل کاربران بالای ۶ سال ۵۴.۵٪ دارای تحصیلات دانشگاهی و ۳۴.۹٪ متوسطه دیپلم و پیش دانشگاهی و ۱۰.۴٪ نیز تحصیلات ابتدایی و راهنمایی داشته اند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷: ۴-۵) این نشان می دهد که در مناطق شهری به خصوص در استان های پرجمعیتی چون تهران و اصفهان به تدریج حدود نیمی از جمعیت کاربر اینترنت خواهند شد اما در استان های روستایی نشین و استان هایی مثل سیستان و

بلوچستان و خراسان شمالی هنوز فاصله‌ای زیاد با پیوستگی با نظام اینترنتی و شبکه‌های جهانی اطلاعات و ارتباطات وجود دارد. از این رو به نظر می‌رسد تنها بخشی از جامعه ایران که می‌توان گفت که در آینده به شبکه جهانی اطلاعات پیوند خواهد خورد بخش شهری و تحصیل کرده است.

جدول ذیل نشان دهنده وضعیت عمومی استفاده از اینترنت در ایران است.

(مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸: ۱۱-۸)

خانوارهای کشور بر حسب استفاده یا عدم استفاده از اینترنت سال ۱۳۸۷			
روستایی	شهری	جمع	شرح
۵۶۵۶۸۷۷	۱۳۱۲۲۶۰۲	۱۸۷۷۹۴۷۹	جمع
۴۹۶۶۸۴	۴۴۷۹۴۲۸	۴۹۷۶۱۱۲	استفاده از اینترنت
۵۱۶۰۱۹۳	۸۶۴۳۱۷۳	۱۳۸۰۳۳۶۷	عدم استفاده از اینترنت

کاربران اینترنت کشور بر حسب سن ۱۳۸۷							
شرح	جمع	کمتر از ۱۰ سال	۱۰ تا ۱۹ سال	۲۰ تا ۲۹ سال	۳۰ تا ۴۴ ساله	۴۵ تا ۵۹ ساله	۶۰ سال و بیشتر
تعداد	۷۹۵۵۹۲۸	۶۰۴۴۹	۲۵۲۸۴۲۴	۳۵۲۸۵۸۳	۱۴۱۴۲۶۶	۳۷۱۰۹۱	۲۹۶۳۳
درصد	۱۰۰	۰.۸	۳۱.۸	۴۴.۵	۱۷.۸	۴.۷	۰.۴

این اطلاعات گویای آن است که حدود ۷۸٪ از کاربران اینترنت در ایران در فاصله سنی ۱۰ تا ۲۹ سال هستند و تا ۱۵ سال آینده عمده جمعیت فعال کشور خواهند بود و نسل بعدی نیز که فرزندان همین عده‌اند با اینترنت و فضای مجازی مرتبط خواهند بود. این امر پیوندی تنگاتنگ با شبکه جهانی معانی جاری در فضای مجازی را در پی خواهد داشت. البته در آبان ماه ۱۳۸۹ سایت گرداب - متعلق به مرکز بررسی جرایم سازمان یافته - به نقل از ایسنا خبر از کشف فرمول بومی محاسبه ضریب نفوذ کاربران اینترنت داد. به نوشته این سایت دکتر حمیدرضا ربیعی، عضو هیات علمی دانشکده

مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف که مسئول این پروژه بوده، در این باره گفت: «امروزه ضریب نفوذ اینترنت به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه یافتگی کشورها محسوب می‌شود و این ضریب نشان‌دهنده میزان دسترسی کاربران یک کشور به اینترنت است. عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف گفت: «در چند سال اخیر ارقام متفاوتی از وضعیت ضریب نفوذ اینترنت در کشور اعلام شده است که با توجه به تحلیل‌های کارشناسی صورت گرفته و اعلام نظر کارشناسان متخصص، این آمار صحیح و واقعی نیست، زیرا در تعیین این ضریب از منابع علمی و معتبر استفاده نشده است. ربیعی افزود: «تیم فعال در این پروژه پس از طی فازهای مختلفی از قبیل بررسی وضعیت کشورهای جهان، وضعیت اینترنت در داخل کشور و همفکری با صاحب نظران، سرانجام موفق به ارائه فرمولی شد که با شرایط بومی کشور در این زمینه حداکثر هماهنگی ممکن را داشته باشد. این شرایط بومی شامل مواردی چون شرایط اداری، وضعیت بستر و زیرساخت اینترنت در کشور، میزان دسترسی به اطلاعات و بسیاری از موارد دیگر است اینک نیز نرخ جدیدی از ضریب نفوذ اینترنت اعلام شده است. ضریب نفوذ اینترنت کشور با ۳۳ میلیون و ۲۰۰ هزار کاربر اینترنت با جهشی یکباره به ۴۳.۲ درصد اعلام شده است. سعید مهدیون، مدیرعامل شرکت فناوری اطلاعات ایران در این خصوص گفته است: «آمارهای متفاوت در مورد ضریب نفوذ اینترنت و تعداد کاربران اینترنت در کشور می‌تواند ناشی از اختلاف در تعریف کاربر اینترنت باشد». وی می‌افزاید: «تعریف ما در سازمان فناوری اطلاعات ایران از کاربر اینترنت یک تعریف استاندارد و جهانی است که براساس آن کاربر اینترنت کسی است که در طول ماه یک بار به اینترنت مراجعه کرده باشد». مهدیون اضافه کرد: «برای تعیین ضریب نفوذ اینترنت معیار تمام جمعیت کشور نیست بلکه براساس استانداردهای بین‌المللی، افراد شش سال به بالا محاسبه می‌شوند، یعنی وقتی اعلام می‌کنیم که ضریب نفوذ ۳۵ درصد است یعنی ۳۵ درصد افراد بالای شش سال کشور از اینترنت استفاده می‌کنند». بنا به اظهارات مدیر سازمان فناوری اطلاعات، اینک ضریب نفوذ اینترنت از

رقم نگران‌کننده ۱۱ درصد در ابتدای تابستان سال جاری به ۴۳.۲ درصد در ابتدای پاییز سال جاری رسیده است (فرارو، ۱۳۸۹). در صورت درست بودن این محاسبه جدید، نگرش مورد نظر ما در این نوشتار بیشتر تأیید می‌شود، زیرا به نظر می‌رسد که کاربران اینترنت در ایران به خصوص در جامعه شهری و تحصیل کرده و افراد بین ۱۵ تا ۵۰ سال در حال رشد سریع است. اما حتی فرمول قبلی نیز که نگران‌کننده و نشان‌گر عقب بودن جامعه ما در بهره‌گیری از اینترنت است باز هم ادعای ما در مورد رشد اینترنت که می‌تواند آینده را تحت تأثیر خود قرار دهد تأیید می‌کند.

کاربران اینترنت برحسب نحوه دسترسی در محل سکونت در ۱۳۸۷					
شرح	کل	Dial up	ADSL	Wireless	سایر
تعداد	۵۹۸۶۰۱۱	۵۵۰۰۷۳۱	۵۳۲۶۶۹	۸۶۹۳۰	۲۳۵۰۹
درصد	۱۰۰	۹۱.۹	۸.۹	۱.۵	۰.۴

برخی از کارشناسان یکی از مهم‌ترین کاستی‌های دسترسی به اینترنت در ایران را سیستم دسترسی با کمک مودم‌های تلفن‌های عادی<sup>۱</sup> می‌دانند که در اکثر کشورهای پیشرفته منقرض شده است و مطلوبیت چندانی برای کاربران ندارد. با توجه به پورت‌های محدود و هزینه فراوان و فقدان عزم جدی برای گسترش دیگر شیوه‌های دستیابی به اینترنت، به نظر می‌رسد که خدمات ارائه شده با تقاضای موجود در حال آینده جامعه ایران منطبق نیست. به علاوه که تعداد زیادی از خانوارهای شهری (حدود ۸۰٪) دارای رایانه شخصی هستند و امکان استفاده از اینترنت را دارند. جدول ذیل این آمار را نشان می‌دهد. ضمن آنکه بیان‌گر آن است که دیگر وسایل ارتباطی مانند تلفن در حد بالایی در جامعه ایران گسترش یافته است و حدود ۷۵٪ دارای تلفن ثابت و همراه می‌باشند.

در مورد استفاده از ماهواره نیز به بیان عزت‌الله ضرغامی رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۹ حدود ۳۰٪ از خانوارها و جمعیت کشور از

## 1. Dial up

ماهواره استفاده می‌کنند. جدای از درستی یا نادرستی این آمار، همین امر نشانه‌ای از گسترش کم‌سابقه ماهواره و استفاده از شبکه‌های تلویزیونی جهانی در ایران است. حتی اگر این آمار حداقلی را درست و مفروض بگیریم، می‌توانیم بگوییم که پیوند بخش مهمی از جامعه ایران با جامعه جهانی از طریق شبکه‌های اطلاعات و ارتباطات جهانی متحقق شده است و حداقل حدود ۳۰٪ از کل جامعه و نزدیک نیمی از جامعه شهری ایران با جامعه جهانی مرتبط است و بیش از ۶۰٪ از تحصیل‌کردگان با شبکه‌های جهانی مرتبط شده‌اند.

با توجه به آمار مذکور به نظر می‌رسد که علیرغم تمامی محدودیت‌های تکنولوژیک و سیاسی و فرهنگی موجود، روند استفاده از اینترنت و ماهواره در ایران، حتی با حداقل برآوردها و آمارهای موجود، رو به رشد است و طبقه متوسط تحصیل کرده که بیشترین میزان استفاده از این شبکه‌ها را به خود اختصاص داده است بیشترین تقاضا را نیز در این عرصه به وجود آورده است. با توجه به گسترش طبقه تحصیل کرده و نیز زیرساخت‌های تکنولوژیک به نظر می‌رسد که زمینه‌های رشد سریع در بهره‌گیری از این شبکه‌های جهانی در ایران فراهم است. این امر به معنای پیوستگی بیشتر با جامعه جهانی و کاسته شدن از میزان کنترل دولتی بر مقولات فرهنگی اجتماعی خواهد بود. حال با توجه به این تحول در حوزه فرهنگ می‌خواهیم با بررسی نظرات گروهی از نخبگان برگزیده فرهنگی سیاسی کشور که به دلیل خواست آنها امکان روشن کردن کامل هویت آنها را نداریم، تأثیر این تحولات را بر حوزه سیاست در آینده ایران بررسی کنیم.

## ۲. بررسی وضعیت آینده فرهنگ و تأثیر آن بر سیاست در آینده ایران با بهره‌گیری از روش دلفی

در نظرسنجی دو مرحله‌ای که ۳۰ نفر از نخبگان فرهنگی کشور که گروهی از مدیران، اهل سیاست و نیز هنرمندان تأثیرگذار در کشور را دربرمی‌گیرد، پرسش‌هایی در این

زمینه شده است که می‌تواند گرایش‌های نخبگان را برای شکل دادن به آینده تا حدود زیادی نشان دهد. مثلاً در مورد امکانات فرهنگی کشور ظرف ۱۵ سال آینده اکثریت پاسخ‌دهندگان اعم از هنرمندان و مدیران و اهل سیاست معتقد بودند که امکانات فرهنگی کشور بیشتر خواهد شد. جدول ذیل گویای نظر نخبگان در این زمینه است:

امکانات فرهنگی هنری کشور ظرف ۱۵ سال آینده در مقایسه با شرایط کنونی چگونه خواهد بود؟					
	خیلی بیشتر می‌شود	بیشتر می‌شود	تفاوت جدی نخواهد کرد	کمتر می‌شود	خیلی کمتر می‌شود
نخبگان فرهنگی هنری	۰	۷	۸	۰	۰
مدیران و اهل سیاست	۲	۹	۴	۰	۰
جمع	۲	۱۶	۱۲	۰	۰

با توجه به پاسخ‌ها، روشن است که درخصوص پرسش مربوط به امکانات فرهنگی دو روند احتمالی مورد توجه نخبگانی است که به پرسش‌ها پاسخ داده‌اند؛ یکی افزایش امکانات فرهنگی کشور و دیگری ثابت ماندن وضعیت کنونی. هیچ‌یک از پاسخ‌دهندگان گزینه کاهش امکانات را در مقایسه با شرایط کنونی در ذهن نداشته‌اند. اما بخش مهمی از پاسخ‌گویان معتقد بودند که باید تمام تلاش خود را مصروف افزایش امکانات فرهنگی کشور کنیم. نتایج پاسخ‌های آنها به پرسشی در این زمینه در جدول ذیل منعکس است:

در رفتار و تصمیمات خود چقدر براساس این گزاره عمل خواهید کرد: باید تمام تلاش خود را برای توسعه زیربنای فرهنگی - هنری (سالن، چاپخانه، بودجه، امکانات رادیویی تلویزیونی...) متمرکز کنیم.					
	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم
نخبگان فرهنگی و هنری	۱۱	۳	۱		
مدیران و اهل سیاست	۴	۹	۳		
جمع	۱۵	۱۲	۴	۰	۰

آن چنان که در این پاسخ‌ها پیداست، ۲۳ پاسخ از ۲۷ پاسخ مثبت است و به نظر می‌رسد که تلاش برای افزایش امکانات فرهنگی نزد نخبگان یک امر جدی و از اولویت‌های آنان است، البته به نظر می‌رسد که این ضرورت برای هنرمندان و فرهنگیان اهمیت و اولویت بیشتری دارد. به این اعتبار می‌توان این گمانه را مطرح ساخت که یکی از مرجحات اصلی و اولویت‌های نخبگان فرهنگی و مدیران و اهل سیاست تلاش برای افزایش امکانات فرهنگی و هنری خواهد بود. این رویکرد به نوبه خود می‌تواند به ایجاد بسترهای لازم برای تأثیرگذاری بیشتر هنرمندان و فرهنگیان در جامعه منجر شود. براساس آنچه گذشت می‌توان مدعی شد که اگر در آینده روند افزایش امکانات زیربنایی فرهنگی هنری تداوم یابد یکی از نتایج مهم آن، افزایش نقش اهل فرهنگ و هنر در ایران آینده خواهد بود. البته تاکید بر این نکته ضروری است که با توجه به گرایش به کثرت‌گرایی معرفتی و فرهنگی، نمی‌توان درخصوص تلقی خود اهل فرهنگ و هنر از میزان تأثیرگذاریشان در آینده با قاطعیت اظهار نظر کرد. جدول ذیل که از ارائه مکرر پرسش‌نامه به نمونه‌های برگزیده از افراد تأثیرگذار در عرصه فرهنگ و سیاست به دست آمده گویای نوع نگاه این افراد به آینده از نظر جایگاه و نوع تأثیرگذاری اهالی فرهنگ و هنر است:

در جامعه ایران، اهل هنر و فرهنگ و اندیشه در افق ۱۴۰۴ تا چه حد بر فرایندها و رقابت‌های سیاسی و جناحی تأثیر دارند؟					
خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم	
۲	۴	۷	۱	۱	نخبگان فرهنگی و هنری
۱	۴	۲	۵	۲	مدیران و اهل سیاست
۳	۸	۹	۶	۳	جمع

این پاسخ‌ها نشان‌گر آن است که بیشتر پاسخ‌دهندگان نقش اهالی فرهنگ و هنر را در عرصه سیاست زیاد می‌دانند: ۱۱ نفر آن را زیاد و خیلی زیاد توصیف کرده‌اند. اما تردیدهای جدی نیز در این زمینه به خصوص در میان مدیران و اهل سیاست وجود

دارد. بیش از نیمی از هنرمندان نیز درخصوص بالا بودن میزان این تأثیر ابراز تردید کرده‌اند. بیشتر اهل سیاست و مدیران نیز نقش واقعی هنرمندان را در سیاست آینده ایران اندک می‌دانند. به نظر می‌رسد که این خود نشان دهنده زمینه‌ای برای چالش میان دو گروه اجتماعی در آینده است. به این اعتبار هرچند احیاناً در آینده زمینه‌های اجتماعی و زیرساخت‌های لازم برای تأثیرگذاری اهل فرهنگ و هنر در حوزه سیاست فراهم‌تر می‌شود اما آمادگی ذهنی و نوع تصور نخبگان فرهنگی و هنری و نیز نوع دیدگاه مدیران و اهل سیاست به‌گونه‌ای است که شاید مانعی برای این امر فراهم‌کنند. البته تعداد قابل توجهی از پاسخ دهندگان تأثیرگذاری اهل فرهنگ و هنر در سیاست را نامطلوب نمی‌دانند. اما نگرش آنان در قبال نوع تأثیرگذاری متفاوت است. جدول ذیل نشان‌گر مطلوبیت یا عدم مطلوبیت تأثیر اهالی فرهنگ و هنر از دیدگاه پاسخ دهندگان است:

با توجه به پرسش قبلی (اهل فرهنگ و هنر تا چه حد بر فرایندهای سیاسی تأثیر دارند...؟) آیا این تأثیرگذاری مطلوب است؟					
خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم	
۱	۴	۶	۲	۲	نخبگان فرهنگی و هنری
۱	۶	۵	۲	۰	مدیران و اهل سیاست
۲	۱۰	۱۱	۴	۲	جمع

این پاسخ‌ها نشان می‌دهد که نخبگان فرهنگی و هنری گرایش زیادی به تأثیرگذاری سیاسی ندارند و گرایش مدیران و اهل سیاست در این زمینه بیشتر است. البته ممکن است گرایش مدیران و اهل سیاست به تأیید خود توسط هنرمندان و اهل فرهنگ و حضور آنها برای حمایت از مواضع آنها باشد اما به هر حال در زمان گردآوری پاسخ‌ها به نظر می‌رسد که حضور در عرصه‌های سیاسی برای جامعه فرهنگی مطلوبیت زیادی ندارد. این گویای آن است که تأثیرگذاری مستقیم اهل فرهنگ و هنر در سیاست چندان

مطلوب آنان نیست و حتی شاید گویای نوعی سیاست‌گریزی توسط این گروه از پاسخ‌دهندگان باشد. اما سیاست‌گریزی نیز گونه‌ای از تأثیر است. زیرا معانی و مفاهیمی که از رهگذر اتخاذ این موضع در جامعه ترویج می‌شود خواسته یا ناخواسته بر ترجیحات و مطلوبیت‌های مردم و به خصوص طبقه متوسط تأثیر می‌گذارد: گریز نخبگان فرهنگی از عرصه سیاست رسمی می‌تواند به نوعی به جدایی مخاطبان آنان از سیاست رسمی بیانجامد.

در گفت‌وگوهای کیفی و توضیحات مکتوبی که پرسش‌شوندگان در پاسخ پرسش‌های کیفی ما بیان کرده‌اند در میان اهل فرهنگ و هنر چنین عبارات و جملاتی به چشم می‌خورد:

- در آینده ایران نقش سیاستمداران در فرهنگ کم خواهد شد، باید در آینده نقش اصلی را به بازیگران فرهنگی داد و از نقش دولت کاست،
  - باید سایه سیاست بر سر هنر کمتر شود،
  - باید ناراحتی اهل فرهنگ و هنر کاسته شود و آلا حرفی برای گفتن نخواهد بود و جملاتی مشابه اینها که بعضاً حاکی از نوعی سرخوردگی است. در برابر این گروه از اهالی فرهنگ، مدیران و اهل سیاستی که در شرایط کنونی در قدرت هستند بیشتر خواهان همراهی اهل فرهنگ و هنر هستند و بر این نکات تأکید کرده‌اند:
  - خودباوری جوانان در عرصه فرهنگ و هنر لازم است،
  - مهم‌ترین مسئله، مریض بودن فرهنگ و سیاست در ایران است،
  - مردم و هنرمندان و فرهنگیان باید ذیل هدایت رهبری باشند،
  - باید با هوشمندی فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی را معرفی کنیم و.....
- از آنچه گذشت می‌توان به این آموزه گمانزنانه برای آینده دست یافت که اگر در عرصه فرهنگ و هنر بنا بر اعمال محدودیت‌هایی باشد که با موازین خردپسند و حتی معیارهای رسمی و نهادینه شده در تعارض باشد، با توجه به ضرورت اجتناب‌ناپذیر توسعه امکانات فرهنگی و هنری که بالمآل به ازدیاد تأثیرگذاری اهالی فرهنگ و هنر

منجر می‌شود، اصرار بر تحمیل سیاست‌های محدودیت آور، می‌تواند به نقض غرض و ترویج همان جنبه‌هایی بینجامد که محدود شدنشان مورد نظر بوده است. اما اگر اعمال محدودیت در مورد این قبیل موارد که محدود ساختنشان غیرضروری بوده است به شکست بینجامد آن‌گاه، از قدرت و توان کارکرد مکانیزم‌های محدود سازنده، تا حد زیادی کاسته خواهد شد و این ابزارها دیگر قادر نخواهند بود حتی در مواردی که می‌باید بر مبنای موازین خردپسند و در چهارچوب‌هایی عقلانی محدودیت‌هایی را الزام کنند، از عهده‌ی ادای مسوولیت خود برآیند. راه مقابله با جنبه‌های نامطلوب فرهنگی، توسل چشم‌پسته و اقتدارمآبانه به ابزارهای محدودیت آور نیست. روشنگری و ایضاح عقلانی درخصوص دلایل نامطلوب بودن یک محصول فرهنگی خاص و اقعان خردپسند افکار عمومی در باب ضرورت محدودسازی آن، و توسل به مکانیزم‌های قانونی مورد پذیرش عامه، به مراتب مؤثرتر از ابزارهای متکی به اعمال فشار، نتیجه مطلوب را حاصل می‌سازد.

در نظرسنجی مکرر انجام شده از جمعی از نخبگان سیاسی و فرهنگی که نمونه‌هایی از گروه‌های مختلف در این زمینه هستند، نظرات قابل تأملی در مورد وضعیت مذهب در آینده‌ی ایران ابراز شده که در جدول ذیل منعکس شده است:

آینده‌ی کشور را از نظر میزان گرایش به مذهب چگونه می‌بینید؟					
خیلی کمتر مذهبی	کمتر مذهبی	فرقی نمی‌کند	مذهبی‌تر	خیلی مذهبی‌تر	
۳	۸	۴	۰	۰	نخبگان فرهنگی و هنری
۰	۹	۱	۵	۰	مدیران و اهل سیاست
۳	۱۷	۵	۵	۰	جمع

نکته‌ی جالب توجه این است که هیچ‌یک از پاسخ‌گویان آینده را «خیلی مذهبی‌تر» نمی‌بینند و تنها ۵ نفر از اهل سیاست هستند که آینده را «مذهبی‌تر» می‌دانند. در این میان دو سوم از پاسخ‌گویان که شمار مدیران و اهل سیاست در میان آنان بسیار است

آینده را کمتر یا خیلی کمتر مذهبی می‌دانند. جدای از اینکه آینده به راستی آن گونه که پاسخ دهندگان تصور می‌کنند باشد یا نه، به نظر می‌رسد که نوع نگاه مدیران می‌تواند در شکل دادن به رفتار و تصمیمات آنان بسیار مهم باشد.

جنبه دیگری که در تحقیق از جامعه مورد بررسی، پرسش شده است آینده گرایش‌های تندروانه مذهبی در منطقه خاورمیانه و تأثیر آن بر جامعه ایران است. در این زمینه پاسخ گویان عموماً معتقد بوده‌اند که گرایش‌های تند در میان همسایگان تأثیر چندانی بر نحوه گرایش به مذهب در جامعه ایران نخواهد داشت. نظرات این عده در جدول ذیل منعکس است:

در صورت رشد طالبانیسم و گرایش‌های تندروی مذهبی در افغانستان و پاکستان و منطقه خاورمیانه، جامعه ایران چه تأثیری خواهد پذیرفت؟					
خیلی مذهبی‌تر می‌شود	مذهبی‌تر می‌شود	فرقی نخواهد کرد	غیرمذهبی‌تر خواهد شد	خیلی غیرمذهبی‌تر خواهد شد	
۰	۰	۵	۶	۴	نخبگان فرهنگی و هنری
۱	۰	۱۰	۴	۰	مدیران و اهل سیاست
۱	۰	۱۵	۱۰	۴	جمع

همچنان که از جدول آشکار است، حدود نیمی از پاسخ‌گویان گرایش‌های تند مذهبی را در منطقه، بر گرایش‌های دینی ایرانیان بی‌تأثیر دانسته‌اند و مابقی آن را تسریع‌کننده فرایند غیرمذهبی شدن بیشتر جامعه به شمار آورده‌اند.

اما در پاسخ پرسش‌های کیفی ما در مطالب مکتوب ذکر شده توسط برخی از پاسخ‌گویان نکات قابل توجهی ذکر شده است. در میان اهالی فرهنگ و هنر چنین عبارات و گزاره‌هایی بیان شده است:

■ آینده فرهنگی باید مبتنی بر ارزش‌های اسلامی ایرانی باشد، آینده ایران با رشد سکولاریسم همراه است،

■ آینده مطلوب رشد دمکراسی و سکولاریسم است،

■ قدرت روحانیون در آینده ایران افزایش می‌یابد،

■ روند کنونی به رشد و شکل‌گیری نوع خاصی از سکولاریسم می‌انجامد،

■ آینده را باید در عرفان و رشد عرفانی دید،

■ در آینده باید بیشتر بر هویت تاریخی ایرانی تأکید کرد

■ مذهب تعارضی با خواسته‌های دمکراتیک ندارد و این دو در آینده با هم ترکیب

خواهند شد و....

در میان مدیران و اهل سیاست چنین گزاره‌هایی دیده می‌شود:

■ برای آینده باید هویت ملی و ارزش‌های دینی را تقویت کرد،

■ آینده مطلوب احیای فرهنگ ناب ایرانی اسلامی است و نه فرهنگ عاریتی غرب،

■ ایران قدرتمند با ارزش‌های ملی - دینی در مقابل هجمه‌های نظام فرهنگی سلطه

خواهد ایستاد،

■ در آینده باید بر اخلاق و ارزش‌های اسلامی ملی انقلابی و مردم‌سالاری دینی،

عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع و حقوق انسان‌ها تأکید ورزید و به انقلاب اسلامی

و وجدان کاری متعهد باقی ماند،

■ باید بر اندیشه‌های امام و اسلام تأکید کرد، باید تحولی اساسی صورت گیرد، و...

با توجه به این نکات به نظر می‌رسد که در میان گروهی از مسئولان و اهل

سیاست نگاه هنجاری قدرتمندی وجود دارد که با تلقی عمومی اهل فرهنگ و هنر

متفاوت است. باید در نظر داشت که اهالی فرهنگ و هنر از میان کسانی که جهت

سیاسی و فکری خاصی دارند انتخاب نشده‌اند و طیف مورد پرسش از پرکارترین

کارگردانان و تهیه‌کنندگان مشغول در صدا و سیما تا اهالی سینما و تئاتر و اصحاب

مطبوعات که در روزنامه‌های اصول‌گرا اشتغال دارند را دربرمی‌گیرد. با این حال در

مورد نحوه تأثیر مذهب و نوع نگاه آنها به آینده مذهب در ایران اتفاق نظر و همراهی کاملی میان آنان وجود ندارد. اما حتی کسانی که بر لزوم تأکید بیشتر مذهب و مذهب‌گرایی در کنش‌های فرهنگی پافشاری می‌کنند، مطمئن نیستند که آینده ایران ضرورتاً و براساس ارزش‌های مقبول آنها، مذهبی‌تر باشد.

جالب این جا است که اکثریت قدرتمند پاسخ‌گویان حتی مدیرانی که خیلی آزادی را مفید نمی‌دانند اظهار داشته‌اند که تلاش خود را برای ایجاد فضای آزادتر خواهند کرد. این گرایش در جدول ذیل نشان داده شده است:

در رفتار و تصمیمات اجرایی خود تا چه حد براساس این گزاره عمل خواهید کرد:					
خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۱۰	۵	۱	۰	۰	نخبگان فرهنگی و هنری
۳	۵	۴	۲	۰	مدیران و اهل سیاست
۱۳	۱۰	۵	۲	۰	جمع

با این حال و در مورد آینده فضای فرهنگی و سیاسی کشور با توجه به شاخص آزادی و فضای باز عمومی نگرش‌های متفاوتی وجود دارد که در جدول ذیل منعکس است:

آینده فضای فرهنگی و هنری کشور تا چه حد بازتر و آزادتر از شرایط کنونی کشور خواهد بود؟					
خیلی آزادتر	آزادتر	تفاوتی نخواهد کرد	بسته‌تر	خیلی بسته‌تر	
۲	۴	۵	۳	۱	نخبگان فرهنگی و هنری
۱	۳	۷	۳	۱	مدیران و اهل سیاست
۳	۷	۱۲	۶	۲	جمع

به نظر می‌رسد که در این زمینه امکان رسیدن به یک نظر عمومی و غالب نبوده است و تردیدهایی در مورد آینده وجود دارد. در حالی که اکثریت به استمرار وضع موجود اعتقاد دارند اما عده‌ای به باز شدن و عده‌ای نیز به بسته شدن بیشتر فضای فرهنگی معتقدند و مراجعه و مباحثه دوباره با اکثر این افراد نیز نتوانست اجماع یا توافقی در میان آنها ایجاد کند. جالب است که در این زمینه تفاوت جدی میان اهل فرهنگ و هنر و مدیران اهل سیاست وجود ندارد. این شباهت حتی در مورد نوع تأثیرگذاری آزادی‌های فرهنگی بر فضای بازتر سیاسی نیز مشهود است:

آزادی‌های بیشتر فرهنگی تا چه حد بر فضای بازتر و آزادتر سیاسی مؤثر خواهد بود؟					
	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم
نخبگان فرهنگی و هنری	۱۰	۵	۰	۰	۰
مدیران و اهل سیاست	۴	۷	۲	۱	۰
جمع	۱۴	۱۲	۲	۱	۰

در این زمینه به نظر می‌رسد که تقریباً نوعی اجماع وجود دارد که فضای باز فرهنگی به فضای باز سیاسی خواهد انجامید و اکثریت کامل پاسخ‌گویان به این نظر رسیده‌اند. حتی یک اکثریت نسبی گویای آن است که فضای آینده سیاسی کشور را بازتر از شرایط کنونی می‌دانند. این نکته در جدول ذیل نشان داده شده است:

به نظر شما فضای سیاسی کشور ظرف ۱۵ سال آینده نسبت به شرایط کنونی کشور چگونه خواهد بود؟					
	خیلی آزادتر و شاداب‌تر	آزادتر و شاداب‌تر	فرقی نخواهد کرد	بسته‌تر و دل‌مرده‌تر	خیلی بسته‌تر و دل‌مرده‌تر
نخبگان فرهنگی و هنری	۱	۷	۵	۲	۰
مدیران و اهل سیاست	۲	۹	۳	۰	۱
جمع	۳	۱۶	۸	۲	۱

این پاسخ‌ها نشان می‌دهد که اکثریت قابل توجهی فضای سیاسی آینده را بازتر و شاداب‌تر از حالت فعلی می‌دانند و تعداد کسانی که آینده را بسته‌تر و دل‌مرده‌تر تصور می‌کنند بسیار اندک است. بنابراین می‌توان حدس زد که ذهنیت نخبگان مورد پرسش، جامعه را به سوی فضایی بازتر پیش خواهد برد.

در این زمینه نیز به نظر می‌رسد حدود دو سوم از پاسخ‌گویان بر ضرورت بازتر شدن فضای فرهنگی و سیاسی در جامعه تأکید دارند و عده کمی این امر را غیر ضرور می‌دانند. در این راستا گروهی از پاسخ‌گویان که اکثریت نسبی آنها را تشکیل می‌دهند، رشد و تثبیت احزاب را در پویایی و تکامل فرهنگی جامعه مؤثر می‌شمرند:

تا چه حد رشد و تثبیت احزاب مختلف سیاسی در پویایی و تکامل فرهنگی جامعه تأثیر مثبت دارد؟					
خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم	
۷	۵	۱	۲	۰	نخبگان فرهنگی و هنری
۴	۲	۵	۳	۱	مدیران و اهل سیاست
۱۱	۷	۶	۵	۱	جمع

براساس این اطلاعات می‌توان گفت که در مجموع جایگاه و تأثیر مثبت احزاب سیاسی از نظر نخبگان فرهنگی پذیرفته شده است هر چند در میان گروهی از مدیران و اهل سیاست این امر محل تردید است. در این زمینه در میان اهل فرهنگ و هنر تقریباً نوعی اجماع دیده می‌شود اما در میان مدیران و اهل سیاست چندگونگی و تفاوت‌هایی قابل تأمل ملاحظه می‌گردد که شاید بر آینده سیاست‌گذاری‌ها و نوع رفتارها و قضاوت‌ها در مورد آینده احزاب سیاسی تأثیر بگذارد.

اما در مورد کنترل دولت بر حوزه فرهنگ و هنر شکافی جدی میان وضع موجود و وضع مطلوب دیده می‌شود. و این جنبه نه فقط در میان اهل فرهنگ و هنر بلکه در میان سیاسیون و مدیران نیز مشهود است. زیرا تقریباً بیشتر آنان مخالف نقش کنترل‌گر

دولت در عرصه‌های فرهنگ و هنر هستند اما پیش‌بینی آنان این است که در ۱۵ سال آینده هم‌چنان دولت مهم‌ترین نهاد تأثیرگذار در حوزه فرهنگ و هنر خواهد بود:

با توجه به روند تحولات فرهنگی و سیاسی کشور، تا چه حد با این گزاره موافق هستید: در ۱۴۰۴ دولت هم‌چنان مهم‌ترین تصمیم‌گیرنده و اصلی‌ترین نهاد تأثیرگذار در حوزه فرهنگ و هنر خواهد بود.					
	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم
نخبگان فرهنگی و هنری	۲	۵	۳	۲	۳
مدیران و اهل سیاست	۲	۹	۲	۲	۰
جمع	۴	۱۴	۵	۴	۳

هم‌چنان که اشاره شد مدیران و اهل سیاست به مراتب بیشتر از اهل فرهنگ و هنر به دایر ندار بودن دولت در امور فرهنگی در یکی دو دهه آینده معتقدند. هر چند که این امر با وضع مطلوب مورد نظر خود آنان چندان منطبق نیست. این نکته در جدول ذیل نشان داده شده است:

شما تا چه اندازه با تداوم و تقویت کنترل دولت بر فرهنگ و هنر موافق هستید؟					
	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم
نخبگان فرهنگی و هنری	۰	۰	۳	۷	۵
مدیران و اهل سیاست	۰	۵	۶	۲	۱
جمع	۰	۵	۹	۹	۶

این اطلاعات نشان می‌دهد که میان نظر اهل فرهنگ با بخشی از مدیران و اهل سیاست شکافی وجود دارد. در حالی که هیچ‌یک از اهالی فرهنگ و هنر با تداوم کنترل دولت بر فرهنگ و هنر موافق نیستند و آنها که جواب «تاحدودی» داده‌اند در پاسخ‌های کیفی خود معین کرده‌اند که منظورشان عدم کاهش امکانات دولتی برای حوزه فرهنگ و هنر است و نه تصدی‌گری و کنترل کامل دولت بر حوزه فرهنگ، اما بخشی از مدیران تأثیرگذار و نیز برخی از فعالان سیاسی که بخش مهمی از این گروه از پاسخ‌دهندگان

را تشکیل می‌دهند خواهان تداوم کنترل دولتی هستند و با مراجعه مکرر نیز دیدگاه آنها تغییر نمی‌کند. از این رو به نظر می‌رسد که مسأله کنترل دولتی هم‌چنان در ۱۵ سال آینده یکی از چالش‌های عمده خواهد بود. که البته مورد نظر بیشتر اهل فرهنگ و بخش قابل توجهی از مدیران و اهل سیاست است.

در میان گزاره‌های کتبی و بیانات شفاهی که پرسش‌شوندگان در پاسخ سؤالات کتبی ما بیان کرده‌اند، جملاتی گویا و جالب توجه به چشم می‌خورد که می‌تواند بیان‌گر و مکمل اطلاعات مذکور باشد. برخی از اهالی فرهنگ و هنر چنین نکاتی را بیان کرده‌اند: وضعیت مطلوب در ۱۴۰۴ و اقداماتی که برای آن باید انجام داد:

■ آنچه در آینده ایران مهم و تعیین‌کننده است، آزادی‌های بیشتر فرهنگی و کاهش نقش دولت و عدم مداخله آن و انتقال مدیریت به زحمتکشان داخلی حوزه فرهنگ و هنر پذیرش تنوع فرهنگی و مدارای فرهنگی است.

■ باید بر عناصر ایرانی بودن و تاریخ ایران تأکید کرد و نقش سیاستمداران در فرهنگ کم شود. باید نقش دولت در فرهنگ محدود شود و اختیارات آن به نهادهای مدنی داده شود و با آزادی بیان، افزایش روزنامه‌ها، گسترش نهادهای مدنی و صنفی بدون دخالت دولت و حذف مجوزهای دولتی، تصدی‌گری دولتی از میان برود و فضای عمومی باز شود.

■ باید بر زبان فارسی تأکید کرد. سیاست باید با محوریت فرهنگ و اهل فرهنگ باشد و دروغ از جامعه و سیاست زدوده شود. مدیران باید شایسته باشند و غرض‌ورز نباشند. نباید تنها برگزیده‌ها تأکید کرد و اکنون و آینده را از نظر دور داشت. حقیقت‌طلبی باید مهم‌ترین عنصر فرهنگی ما باشد.

■ باید فضایی بازتر و مناسب‌تر در جامعه حاکم شود و سایه سیاست بر سر هنر کمتر شود. باید به هنرمندان بیشتر اهمیت داده شود.

■ فرهنگ مطلوب فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های ایرانی - اسلامی است.

■ برای آینده‌ای بهتر مدیران و مقامات عالی باید از حوزه فرهنگ و سیاست

تنش‌زدایی کنند. آینده مطلوب با آزادی بیان، خلاقیت، تکثر و چند صدایی رونق اقتصاد فرهنگ، واگذاری امور فرهنگی به اهل فرهنگ، تأمین بستر قانونی و حقوقی شفاف به دست می‌آید.

■ باید حلقه‌های شناخت علوم انسانی و فلسفه‌های غیررسمی تشکیل شوند و کتاب و مقاله و سایت‌های بیشتری منتشر شود. باید به جامعه‌ای آزاد رسید که اصول دمکراسی و گفت و گو را رعایت می‌کنند.

■ تا ۲۰ سال آینده حرفی زیادی برای گفتن در عرصه‌های فرهنگی نخواهیم داشت باید به تعقل پردازیم و از خرافه پرهیز کنیم به خودباوری تکیه کنیم. باید از شعر و عرفان برای حمایت از مذهب واقعی کمک بگیریم.

■ مسئولان فرهنگی دولتی باید دسته‌جمعی استعفا کنند. باید از تأکید فراوان بر ایدئولوژی پرهیز کرد و دولتی‌ها این قدر تعیین تکلیف نکنند و تکثرگرایی را مدنظر داشته باشند. باید برای رسیدن به آزادی مطلوب و رونق فرهنگی و هنری تلاش کرد و اهالی هنر و فرهنگ باید هزینه زیادی بپردازند.

اما مدیران در نوشته‌ها و گفته‌های کتبی خود عبارات و جملات و گزاره‌هایی به شرح ذیل بیان کرده‌اند:

■ برای آینده مناسب باید به تقویت خودباوری جوانان هویت ملی و ارزش‌های دینی را تقویت کرد. باید دولت برنامه‌ریزی دقیق داشته باشند که نهادهای مدنی و انجمن‌ها و استادان را نیز به کار گیرند.

■ باید یک نهضت فراگیر دولتی ایجاد کرد و به احیاء فرهنگ ناب ایرانی و اسلامی پرداخت نه فرهنگ عاریتی غرب. علائم بیماری فرهنگ و سیاست ایران؛ حسادت، بخل، کینه، خودخواهی، خودبزرگ‌بینی، دروغ، جهل، عوام‌فریبی، سوء استفاده از احساسات دینی، تهمت، افترا، عدم احترام به دیگران باید درمان شوند و آلا آینده‌ای وخیم در پیش خواهیم داشت. باید فرهنگ اصالت خانواده و ظلم‌ستیزی را گسترش داد.

■ آینده مطلوب در گرو اندیشه‌مداری و آزاداندیشی و دادوستد فرهنگی است. باید با باز بودن مرزهای فرهنگی و سیاسی و خارجی ارتباط سازنده میان احزاب سیاسی داخلی و کمک سازمان‌های غیردولتی در تقویت فرهنگ بومی - ملی تلاش کرد. در شرایط فعلی تغییر اساسی ایجاد نخواهد شد.

■ آینده ایران چنین خواهد بود: توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی - تاریخی خود، با حاکمیت اخلاق و ارزش‌های اسلامی ملی و انقلابی، مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حقوق انسان‌ها، متعهد به انقلاب اسلامی و وجدان کاری زیر هدایت رهبری

■ دولت اصولاً برای آینده هیچ سناریوی مناسبی نمی‌تواند داشته باشد. در حوزه فرهنگی باید آزادسازی انجام شود. نیازمند تحول اساسی سیاسی - اقتصادی صورت گیرد. جملات و گزاره‌های بیان شده توسط گروه نخست از پرسش‌شوندگان، نشان از ناخشنودی اهالی فرهنگ و هنر و تمایل آشکار آنان به باز شدن فضای فرهنگی و نیز کاهش نقش دولت در حوزه فرهنگ دارد. این امر نشان می‌دهد که هر چند اکثر آنان تعارضی با معیارهای فرهنگی عمومی مطرح در حاکمیت ندارند اما به طور جدی به تغییر نقش حاکمیت دولت در عرصه فرهنگ گرایش دارند. حتی گزاره‌هایی که نشان‌گر ناراحتی و تقابل آنان است نیز بیشتر در این مسیر قابل فهم است. اما در جملات بیان شده توسط مدیران و اهل سیاست به نظر می‌رسد که اکثراً به شعارها و نمادهای اصلی حکومتی پای بندند و تلاش می‌کنند که آینده را نیز از این منظر ببینند. اما در عین حال ضرورت‌های جامعه و خواسته‌های جامعه فرهنگی هنری نیز توسط بسیاری از آنها درک شده است و آنان تلاش می‌کنند که در چهارچوب‌های مشروع فعلی به سوی آنها حرکت شود.

اکثر پاسخ‌گویان بر این نظرند که محدودسازی فضای اینترنتی می‌تواند اثرات نامناسبی در حوزه علم و دانش و معرفت در کشور ما داشته باشد. در جدول ذیل نظرات بیان شده توسط منعکس است:

به نظر شما با اعمال محدودیت در فضای اینترنتی؛ میزان دستیابی ایرانیان به علم و دانش و معرفت در مقایسه با کشورهای پیشرفته تا افق ۱۴۰۴....					
	خیلی بیشتر می‌شود	بیشتر می‌شود	تأثیری ندارد	کمتر می‌شود	خیلی کمتر می‌شود
نخبگان فرهنگی و هنری	۰	۲	۳	۷	۴
مدیران و اهل سیاست	۰	۳	۲	۷	۲
جمع	۰	۵	۵	۱۴	۶

این آمار نشان می‌دهد که دو سوم از پاسخ‌گویان معتقدند که این محدودیت موجب محرومیت بیشتر ایرانیان از دانش و معرفت خواهد شد. در مجموع تعداد کسانی که این محدودیت را در فضای معرفتی کشور بی‌تأثیر دانسته و یا دارای تأثیر مثبت می‌دانند کم است و در توضیحات کیفی آنان معلوم است که در مجموع آنان نیز به نوعی موافق این محدودیت نیستند. این نکته در پاسخ پرسش بعدی مشهود است:

به نظر شما برای استقلال فرهنگی و تقویت هویت ایرانی تا چه حد باید در مقابل فرهنگ و ارتباطات جهانی (فراگیری جهانی اینترنت، شبکه جهانی تولیدات هنری، شکل‌گیری خصوصیات مشترک در بین فرهنگ‌های مختلف از مصادیق آن هستند) ایستاد و آن را محدود کرد؟					
	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم
نخبگان فرهنگی و هنری	۰	۰	۴	۵	۷
مدیران و اهل سیاست	۰	۲	۵	۳	۴
جمع	۰	۲	۹	۸	۱۱

این اطلاعات بیان‌گر آن است که به جز دو نفر هیچ‌کس موافق محدودسازی فضای اینترنتی نیست و آن را حتی برای حفظ هویت ایرانی مفید نمی‌دانند. در مجموع به نظر می‌رسد که این گروه از نخبگان، معتقدند که فرهنگ ایرانی در مسیر هماهنگی بیشتر با فضای عمومی جهانی است. نگاه این گروه از نخبگان در جدول ذیل نمایش داده شده است:

تا چه حد با این گزاره موافقت می‌کنید:					
فضای عمومی جهانی همراه با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات به طور ناگزیر فرهنگ ایرانی را متحول کرده است و آن را با فرهنگ جهانی هماهنگ خواهد کرد.					
خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۵	۸	۳	۰	۰	نخبگان فرهنگی و هنری
۱	۳	۷	۲	۱	مدیران و اهل سیاست
۶	۱۱	۱۰	۲	۱	جمع

اطلاعات ارائه شده در این جدول نشان می‌دهند که تعداد کسانی که معتقدند هماهنگی فرهنگ ایرانی با فرهنگ جهانی در آینده چندان زیاد نخواهد بود بسیار کم است. در واقع دو سناریوی اصلی مورد نظر این گروه از نخبگان است. نخست هماهنگی فراوان فرهنگ ایرانی با فرهنگ جهانی و دوم هماهنگی در حدی محدود. این دو گرایش اصلی نخبگان فرهنگی و سیاسی است. در عین حال آنان که با سناریوی دایر بر تحقق هماهنگی مخالفند نیز از جمله مدیران و اهل سیاستی هستند که از نزدیک دستی بر فرهنگ ندارند و با مقولات فرهنگی و اهل فرهنگ و هنر ارتباط مستقیم ندارند. سخن گفتن از فرهنگ غرب مانند یکی از پرسش‌های قبلی موجب تشنگی در نگرش مدیران و اهل سیاست می‌شود و پراکندگی نظرات آنان را بیشتر می‌کند. این نکته در جدول ذیل نشان داده شده است:

تا چه اندازه با این گزاره موافقت می‌کنید:					
باید برای مراقبت از هویت فرهنگ دینی و انقلابی با تمام قوا جلوی فرآورده‌های فرهنگی و فعالیت سیاسی وابستگان به غرب را گرفت و فضای جامعه را برای آنها محدود کرد.					
خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۱	۰	۱	۷	۷	نخبگان فرهنگی و هنری
۱	۴	۵	۲	۲	مدیران و اهل سیاست
۲	۴	۶	۹	۹	جمع

در حالی که در دوران بعد از انقلاب اسلامی و حتی قبل از آن گروهی از اهل فرهنگ و سیاست بخشی از هویت خویش را در تقابل با غرب و هنجارها و محصولات فرهنگی آن تعریف می‌کردند، این معیار می‌تواند در سنجش نوع نگاه و گرایش بخشی از نخبگان به هویت خود را نشان دهد. به خصوص دگر فرهنگی و سیاسی که بخشی از کنش‌های هویت‌بخش آنها را معین می‌سازد. چنان که در این اطلاعات دیده می‌شود نخبگان فرهنگی و هنری که از تمامی گونه‌های فکری برگزیده شده‌اند چندان به مقابله با غرب برای حفظ هویت فرهنگی گرایش ندارند اما مدیران و اهل سیاست به سه قسمت تقریباً مساوی تقسیم می‌شوند. یعنی حدود یک سوم ذهنیت مخالف با فرآورده‌های فرهنگی و سیاسی غربی، یک سوم تاحدودی نسبت این موضوع بی‌تفاوت و کمتر از یک سوم مخالف هویت‌طلبی بر پایه دوئیت و تقابل با غرب هستند. این امر به نوعی تقابل میان رویه‌ها و نگرش‌های بخشی از اهالی فرهنگ و هنر با اهل سیاست خواهد انجامید که در عرصه‌های جهانی نیز متجلی خواهد شد.

نکته دیگر قابل طرح در نگرش‌ها و گرایش‌های نخبگان فرهنگی سیاسی ایرانی، جایگاهی است که ایران در ۱۵ سال آینده با توجه به فرایندهای فرهنگی جاری در ایران و جهان امروز، خواهد داشت. در این زمینه نگرش نخبگان ایرانی متنوع اما تا حدود زیادی خوش‌بینانه است. ابتدا باید دانست که نگرش غالب در این گروه به هماهنگی بیشتر نهادها و جریان‌های بین‌المللی است:

در عرصه‌های عملی و اجرایی تا چه حد باید برای هماهنگی بیشتر با نهادها و جریان‌های بین‌المللی تلاش کرد؟					
خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۷	۷	۲	۰	۰	نخبگان فرهنگی و هنری
۳	۳	۵	۲	۱	مدیران و اهل سیاست
۱۰	۱۰	۷	۲	۱	جمع

همچنان که از جدول بر می آید اکثریت قابل توجهی به هماهنگ شدن با نهادها و جریان‌های بین‌المللی باور دارند.

با در نظر گرفتن مواردی که ذکر شد می‌توان مدعی شد نگاه نخبگان مورد پرسش به آینده جایگاه ایران در منطقه خاورمیانه خوش‌بینانه است. هر چند معیار قضاوت در مورد بهتر شدن و قدرتمند شدن و شرایطی که باعث این تغییر جایگاه خواهد شد در میان پاسخ‌گویان به غایت متفاوت است و حتی برخی تغییر شرایط سیاسی را مقدمه این بهبود جایگاه به شمار می‌آورند. اما به هر حال نگاه آنان تا اندازه‌ای خوش‌بینانه است. هر چند این خوش‌بینی در میان اهل سیاست و مدیران بسیار بیشتر از اهل فرهنگ و هنر است.

با توجه به پرسش‌های قبلی و تحولات کنونی؛ جایگاه آینده ایران در منطقه خاورمیانه چگونه خواهد بود؟					
	خیلی قدرتمندتر می‌شود	قدرتمندتر می‌شود	فرقی نخواهد کرد	کاهش می‌یابد	خیلی کاهش می‌یابد
نخبگان فرهنگی هنری	۰	۴	۶	۳	۲
مدیران و اهل سیاست	۱	۹	۳	۱	۰
جمع	۱	۱۳	۹	۴	۲

اطلاعات مندرج در جدول بعدی آشکار می‌سازد که بیشتر پاسخ‌گویان همان‌طور که بیشتر پاسخ‌گویان به هماهنگی فرهنگ ایرانی با فرهنگ جهانی اعتقاد داشتند، به این نکته نیز معتقدند که احتمالاً تا ۱۵ سال آینده روابط ایران با قدرت‌های اصلی در نظام بین‌الملل بهتر خواهد شد.

به نظر شما در ۱۵ سال آینده در عرصه نظام جهانی، روابط ایران با قدرت‌های اصلی نظام بین‌الملل چگونه خواهد بود؟					
خیلی بدتر می‌شود	بدتر می‌شود	فرقی نمی‌کند	بهتر می‌شود	خیلی بهتر می‌شود	
۱	۲	۵	۷	۱	نخبگان فرهنگی و هنری
۰	۴	۴	۵	۰	مدیران و اهل سیاست
۱	۶	۹	۱۲	۱	جمع

اطلاعات مندرج در این جدول با توجه به اطلاعات جدول بعدی بهتر قابل درک است:

با توجه به پرسش قبلی کدام یک از گزینه‌های ذیل در مقایسه با قدرت‌های نظام بین‌الملل مورد نظر شما است؟					
کاهش فراوان قدرت ایران	کاهش قدرت ایران	ادامه وضع کنونی	افزایش قدرت ایران	افزایش فراوان قدرت ایران	
۰	۳	۱۱	۲	۰	نخبگان فرهنگی و هنری
۰	۳	۵	۵	۲	مدیران و اهل سیاست
۰	۶	۱۶	۷	۲	جمع

در این زمینه به نظر می‌رسد که بخش عمده نخبگان به تداوم وضع موجود معتقدند یعنی هر چند که روابط با قدرت‌ها بهتر خواهد شد اما وضع موجود ادامه خواهد یافت. اما نوعی تنوع آرا در مورد افزایش یا کاهش قدرت ایران وجود دارد. در این میان کسانی که معتقدند که قدرت ایران افزایش خواهد یافت بیشترند که وزن اصلی آنان نیز در بین مدیران و اهل سیاست است.

اما در میان عبارات و جملات و گزاره‌های بیان شده در پاسخ پرسش‌های کیفی ما

چنین جملات و تعبیراتی به چشم می‌خورد:

۱. از دیدگاه اهل فرهنگ و هنر:

■ باید موانع رابطه بیشتر با جهان را از میان برداشت و تعامل فرهنگی با جهان را افزایش داد و تنوع فرهنگی در جهان را پذیرفت و روابط با فارسی‌زبانان را گسترش داد.

■ در آینده جایگاه و اعتبار ایران در عرصه جهانی کاهش خواهد یافت مگر آنکه نقش فرهنگ و فرهنگیان گسترش یابد که در این صورت شاهد ارتقاء جایگاه ایران خواهیم بود. در عرصه‌های جهانی باید نقش عمده‌تر را به بازیگران فرهنگی داد.

■ باید با فرهنگ‌های جهان تعامل داشت تعاملی در تراز تاریخ و تمدن ایران. باید مقامات عالی کشور به تنش‌زدایی با جهان بپردازند. باید به بازارهای جهانی فرهنگ وارد شد و با جهان هم‌ساز گردید.

■ وضعیت کنونی در عرصه جهانی ادامه خواهد یافت.

۲. از دیدگاه مدیران و اهل سیاست:

■ ایران قدرتمند با ارزش‌های دینی و ملی خود با سیاست منسجم در مقابل حمله‌های فرهنگ نظام سلطه خواهد ایستاد و قدرتمندتر خواهد شد.

■ ایران باید با تکیه بر فرهنگ اصیل خود به روند ظلم‌ستیزی خود ادامه دهد.

■ در شرایط بین‌الملل کنونی تغییری ایجاد نخواهد شد اما اگر مرزهای فرهنگی

سیاسی بازتر شود ایران به‌عنوان کشوری کهن و دین‌مدار نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

■ ایران در آینده به جایگاه اول منطقه با تکیه بر نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و

اشتغال و نیز با همگرایی اسلامی و تکیه بر اندیشه‌های امام (ره) خواهد رسید. این امر

با تعامل سازنده با جهان با تکیه بر عزت، حکمت و مصلحت صورت خواهد گرفت.

براساس محورهای ارائه شده در این گفتارها به نظر می‌رسد که دو نوع نگاه اصلی

در این زمینه وجود دارد که یکی با حفظ مبانی عقیدتی خود نگاهی خوش‌بینانه به آینده

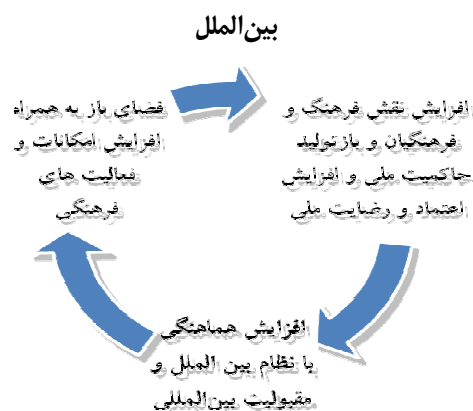
دارد و برای رواج عقیده و مواضع خود و نیز جایگاه کشور در آینده به سختی خواهد

کوشید. نگاه دیگر نگاهی است که خواهان یک تجدید نظر کلی در نوع تعامل ایران با جهان است. این نگاه به گسترش روابط غیر خصمانه با جهان که موجب می‌شود که جایگاه تاریخی و فرهنگی واقعی ایران در عرصه جهانی احیا شود، متمایل است.

### حاصل سخن؛ سناریوهای آینده

در واقع نتیجه‌گیری و جمع‌بندی این مقاله در قالب دو سناریوی محتمل قابل ترسیم است. سناریوهایی که محصول تحلیل و برآیند نظرات نخبگانی است که از آنها نظرسنجی شده و به نوعی ذهنیت آنان در برساختن آینده مؤثر است:

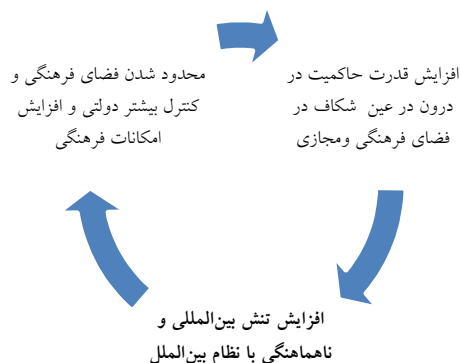
سناریوی یک ایجاد فضای بازتر فرهنگی بازتولید حاکمیت ملی و افزایش هماهنگی با نظام



این سناریو در واقع تعامل میان فضای داخلی و فضای جهانی را که تحت تأثیر کنش متقابل فرهنگ و فضای سیاسی است نشان می‌دهد. این سناریو برگرفته احتمالاتی است که از مطالعه برخی از روندهای موجود و نیز سخن و ایده‌های برخی از دست‌انداران فرهنگ و سیاست برگرفته شده است. در این سناریو فضای بازتر و رشد بیشتر فرهنگی با فرهنگی‌تر شدن فضای سیاست ایران همراه شده و نوعی هماهنگی بیشتر و همسازی با نظام بین‌الملل را به همراه خواهد داشت.

## سناریوی دو: کنترل بیشتر در فضای فرهنگی و تثبیت حاکمیت ملی و تشدید تنش با نظام

### بین الملل



این سناریو نیز از مطالعه روندها و نیز سخن و ایده برخی از اهل سیاست و فرهنگ برگرفته شده است. در این سناریو فضای فرهنگی محدود شده و کنترل دولتی به رغم افزایش امکانات و بودجه فرهنگی بر حوزه فرهنگ و هنر افزایش می یابد. این امر حاکمیت و قدرت و کنترل دولت در داخل را خواهد افزود اما فضا بیشتر سیاسی خواهد بود تا فرهنگی و این امر با افزایش پاره ای از تنش ها در عرصه بین المللی همراه خواهد بود. این تنش ها ممکن است با افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در میان گروه ها و کشورهای غیرغرب گرا در منطقه و نیز در جهان در حال تحول کنونی نیز همراه باشد.

البته در صورت تحقق هر یک از سناریوهای مذکور، براساس نظرات نخبگان مورد پرسش قدرت ایران در عرصه های بین المللی افزایش خواهد یافت اما جنس و تأثیر این قدرت متفاوت خواهد بود. این تحقیق می تواند تنها یک مقدمه برای بررسی های کارشناسی بیشتر باشد. بررسی هایی که می توانند به این پرسش پاسخ گویند که آیا اصولاً سناریوی دیگری نیز می تواند مطرح باشد؟ و در این صورت هزینه ها و مزایای هر یک از سناریوها برای جمهوری اسلامی ایران چه خواهد بود؟ ❖

### پی‌نوشت‌ها:

- امن‌آبادی م، ۱۳۸۵، «جدیدترین آمار کاربران اینترنت در جهان». بزرگراه فناوری 23-28 ایسپا، ۱۳۸۴، فرهنگ سیاسی مردم ایران. تهران: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- جام‌جم . Jamejam. Retrieved 10 8, 2010, from Jamejam online: (2009, 10 8).  
<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100866139044>
- جهان‌نیوز . Jahannews. Retrieved 10 20, 2010, from  
<http://www.jahannews.com>
- دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۲، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- رایانی مخصوص، مخصوص، ۱۳۸۸، *تئاتر خصوصی در ایران*، تهران: انتشارات نمایش.
- سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۲، *وضعیت و نگرش جوانان ایران*، تهران: نسل سوم.
- سرویس جامعه‌اطلاعاتی ایسنا: Isna. Retrieved 10 28: (2010, 7 14).  
<http://www.isna.ir/isna/NewsView.aspx?ID=News-1572242>
- سلیمی ج، ۱۳۸۸، *دین‌داری و نگرش انقلابی*، سنجش نظریات دانشجویان ایرانی . تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- سلیمی ج، ۱۳۸۱، *فرهنگ‌گرایی، جهانی‌شدن و حقوق بشر*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- فرارو، ۱۳۸۹، اینترنت در راه رشد؟،  
<http://www.fararu.com/vdcfjcdt.w6d1xagiiw.html> (۱۳۸۹/۸/۹)
- کاسیرر ا، ۱۳۶۰، *فلسفه و فرهنگ ترجمه بزرگ*، نادرزاده. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کانون کارگردانان سینمای ایران . Isna. Retrieved 10 23, 2011, from  
[Isna: http://www.isna.ir](http://www.isna.ir)
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹، *سالنامه آماری ۱۳۸۸*، تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، *نتایج طرح آمارگیری از کاربران اینترنت در ایران*، تهران: مرکز آمار

ایران.

معاونت پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۷، فرهنگ و خصوصی‌سازی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

معاونت راهبردی و برنامه‌ریزی ریاست جمهوری، ۱۳۸۸، برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور. تهران: معاونت راهبردی و برنامه‌ریزی ریاست جمهوری.

Bodin, J. 1992. *On Sovereignty*. Cambridge: Cambridge University Press.

Carroll, J. 2007. *Public: Iran Poses Greatest Threat to World Stability*. New York: Gallup.

Castells, M. 2009. *The Power of Identity: The Information Age: Economy, Society and Culture*. New York: John Wiley and Sons.

Krasner, S. 2001. *Sovereignty, Organized Hypocrisy*. Princeton: Princeton University Press.

Klockhohn, C. Kroeber, A. 1952. *Culture: a Critical Review of Concepts and Definitions*, Cambridge: Cambridge University Press

Mazrui, A. 1984. "Moring Cultural Frontiers of World Order: From Monotheism to North-South Relations". In R. B. Walker, *Culture, Ideology and World Order*. Colorado: Westvics Press.

Mogahed, D. 2008. *Muslims and Americans; the way forward*. New York: Gallup Center for Muslim Studies.

Mogahed, D. 2008. *The Battle of Hearts and Minds*. New York: Gallup Center for Muslim Studies.

Richman, A. 2008, March 28. *Iranian opinions on economics, nuclear weapons and the United States*. Retrieved March 29, 2008, from Word Public Opinion: <http://www.WorldPublicOpinion.org>

Ruggie, J. 1998. "What Makes the World Hang Together? Neo-utilitarianism and the social constructivist challenge". *International Organization* , 4, 51-52.

UNESCO. 1982. *World Conference of Cultural Politics*. Mexico City: UNESCO.

Vattel, E. 1881. *The Law of Nations or The Principle of Natural Law*. Trans. by Joseph Chitty. London: T & J. Johnson

Wendt, A. 1994. "Collective Identity Formation and the International State". *American Political Science Review*. 88, 380-395.

WPO. 2007, January 30. *Iranian and Americans believe Islam and West can find common ground*. Retrieved April 4, 2007, from World Public Opinion: <http://www.WorldPublicOpinion.org>

WPO. 2007, April 23. *Muslims believe US to weaken Muslim world*. Retrieved April 23, 2007, from World Public Opinion: <http://www.WorldPublicOpinion.org>

WPO. 2007, April 21. *World reject US role as the world leader*. Retrieved April 22, 2007, from World Public Opinion: <http://www.WorldPublicOpinion.org>